۳

بسم الله الرحمن الرحیم

~~الحمد لله الذی من استخاره هداه~~ الحمد لله الذی لا یعلم خیر عباده سواه و من استخاره هداه و من
استشاره (کفاه صح) و من استجاره آواه و الصلوة علی خیر من استجاره الله و لباه
محمد و اهل بیته الذین من والاهم کانت الجنة مأواه و من عاداهم فالنار
مثواه **و بعد** مستمد فیوض قدسی محمد باقر مجلسی عفی الله عن سیئاته و حشره
مع موالیه و ساداته بر الواح ارواح برادران ایمانی و سالکان مسالک
قرب یزدانی مینگارد که چون اخبار متکاثره و احادیث متضافره از
حضرت رسالت پناه و عترت طاهره صلوات الله علیه و علیهم اجمعین در فضیلت
استخاره و استشاره از جناب مقدس رب الارباب و بیان انواع آن
بنظر قاصر این بی بضاعت رسیده بود و اکثر خلق را اطلاع بر آنها میسر نبود
و باین سبب از فواید و برکات آن محروم بودند لهذا در این رساله که بر فاتحه
و هشت باب (مفتاح بعدد ابواب جنان صح) و خاتمه مشتملست اخبار و آثار معتبره که در این باب وارد شده
ایراد نمود و بمفاتیح الغیب مسمی گردانید مستمداً من الله المعونة و هو حسبی
و نعم الوکیل **فاتحه** در بیان فضیلت استخاره است بدانکه استخاره در لغت
طلب خیر و راهنمائی بصلاح خود از کسی نمودنست و استشاره نیز مراجعت
بکسی کردنست در امری که آدمی را در آن تردیدی باشد تا آنکه او را اشاره
کند بامری که صلاح اینکس در آنست بمقتضای رأی او و اگرچه

استشاره

استشاره از برادران مؤمن نیز مطلوبست چنانچه بعد از این اشاره بآن
خواهد شد اما مقصود اصلی درین مقام طلب خیر از جناب مقدس الهی است
و رجحان آن بحسب عقل و نقل معلوم است چه ظاهر است که صانع عالم
بمصالح دنیا و عقبای بنی آدم از همه کس داناتر است و با لطف و کرم نامتناهی
~~البته در آنکه~~ و بی نیازی از جمیع خلق و قدرت بر جمیع امور ممکنه در آنچه صلاح
بندگان در آنست ضنت و بخل نمی نماید خصوصا وقتی که بنده امور خود را
باو گذارد و از او صلاح خود را طلب نماید و پس باید که بنده خیر خود را
در جمیع امور از پروردگار خود طلب نماید و مصلحت خود را بلطف
او گذارد و ایضا معلوم است که مقتضای بندگی و کمال مرتبه عبودیت
آنست که مرادات و ارادات خود را تابع ارادات حق گرداند و بمقتضای
و ما تشاؤن الا ان یشاء الله از مشیت خود خالی گردد و خواهش خود را
خداوند خود را بر خواهش خود مقدم دارد تا آنکه خداوند رحیم او را بخود
نگذارد و در هر میسور و معسور مدبر امور او گردد و ~~[illegible]~~ بمقتضای و من
یتوکل علی الله فهو حسبه حق تعالی کافی مهمات او باشد و این مرتبه
اعلای درجات مقربانست و بسندهای بسیار شیخ مفید و سید ابن طاوس
و دیگران از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده اند که حق تعالی
میفرماید که از جمله شقاوت بنده من آنست که کارها کند و طلب خیر خود

از من نشاید و شیخ و برقی بسندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده اند که هر که در امری بدون استخاره داخل شود و ببلائی مبتلا شود
خدا او را در آن بلا مزدی و اجری ندهد و شیخ بسند معتبر از آنحضرت
روایت کرده است که میگفت که هرگاه در امری طلب خیر از حق تعالی
کرده باشم پروا ندارم که براحت افتم یا ببلا و فرمود که پدرم مرا تعلیم
استخاره مینمود چنانچه سورهای قرآن مرا تعلیم مینمود و ایضا از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که ما استخاره را یاد میگرفتیم
چنانچه سورهای قرآن را می آموختیم و ایضا بسند صحیح از آنحضرت صادق
علیه السلام روایت کرده است که هیچ بنده طلب خیر از خداوند عالمیان نکرده
است مگر آنکه خیر او را برای او [illegible] هر چند او نخواهد و شیخ طوسی گردانیده است
بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده است که چون حضرت
رسول صلی الله علیه و آله مرا بیمن فرستاد مرا وصیت کرد که یا علی حیران
نمیشود کسی که از خدا استخاره کند و پشیمان نمیشود کسی که با مردم مشورت کند
و بدانکه بعد از طلب خیر از حق تعالی باید که هر امری که رو نماید بآن راضی باشد
و بداند که خیر او در آن بوده است که واقع شده است هر چند در نظر او
بد نماید و موافق خواهش او نباشد و برقی در محاسن بسند معتبر از حضرت

صادق

صادق علیه السلام روایت کرده است که دشمن ترین خلق نزد خدا کسی است که
خدا را متهم دارد راوی گفت که کسی باشد که خدا را متهم دارد فرمود که بلی
کسی که طلب خیر از خدا نماید و بعد از آن امری که واقع شود با آن راضی
نباشد پس خدا را در خیرخواهی خود یا دانستن خیر او متهم داشته و سید ابن
طاووس از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که خداوند عالم میفرماید
که هر که راضی بقضای من نباشد و شکر نعمتهای من نکند و شکیبائی بر بلای من بعمل
نیاورد پس بپرورد کاری بغیر من طلب کند و هر که بقضای من راضی باشد و بر نعمتهای
من شکر کند و بر بلای من صبر کند بنویسم او را از جمله صدیقان نزد خود و حضرت
فرمود که هر کس طلب خیر کند از خدا در امری و یکی از دو امر برای او بعمل آید
و در دلش چیزی بوده باشد بغیر از علم خشنودی یا خیر بودن آن امر پس او خدا
را متهم داشته در قضای او و کلینی بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده است که داناترین مردم بخدا کسی است که راضی تر باشد بقضای او و بسند صحیح
دیگر از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده است که صبر کردن و از
خدا راضی بودن سر طاعت و بندگی خدا است و هر که صبر کند در بلا و راضی باشد
از خدا در آنچه برای او حکم کند و مقدر گرداند خواه موافق خواهش او باشد خواه
نباشد پس خدا مقدر نمیگرداند برای او مگر آنچه خیر او در آنست خواه دوست دارد

وخواه مکروه او باشد وبدانکه استخاره چند نوع است اول آنکه در هر امری که اراده
نماید بجناب مقدس الهی متوسل شود وخیر خود را در آن امر از حق تعالی طلب نماید دویم
آنکه بعد از آنکه طلب خیر از خدا بکند وبعد از آن در دل خود نظر کند وآنچه بخاطر
او بی افتد بآن عمل کند سیم آنکه بعد از طلب خیر مشورت کند با مؤمنی وبآنچه
آن مؤمن میگوید عمل کند چهارم آنکه استخاره بقرآن مجید یا بتسبیح یا ببنادق
یا برقاع بکند بتفصیلی که مذکور خواهد شد و اکثر احادیث استخاره دلالت بر قسم
اول میکند **مفتاح اول** در بیان نوع اول است اما استخاره مطلقه سید علی بن طاوس
بسند صحیح روایت کرده است از ابن ابی یعفور که گفت شنیدم از حضرت صادق
علیه السلام که میفرمود در بیان کیفیت استخاره که تعظیم وتمجید وحمد خدا میکنی وصلوات
بر محمد وآل او میفرستی پس میگویی اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاَنَّکَ عالِمُ الْغَیْبِ
وَالشَّهادَةِ الرَّحْمنُ الرَّحیمُ وَاَنْتَ عَلّامُ الْغُیُوبِ اَسْتَخیرُ اللهَ
بِرَحْمَتِهِ پس حضرت فرمود که اگر امر سختی باشد که بیم در آن داشته باشی
صد مرتبه بگو و اگر امر سهلی باشد سه مرتبه بگو **مؤلف گوید** که ظاهر آنست
که تکرار صد بار و سه بار در استخیر الله برحمته باشد واگر از اول دعا مکرر
بخواند شاید بهتر باشد واگر پیش از دعا بگوید سُبْحانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ
وَلا اِلهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ
ودعا کیفیت انواع استخارات را ذکر کرده اند وشیخ شهید وسید ابن طاوس علیهما الرحمه طعن
بسیار بر انکار ابن ادریس رحمه الله نموده اند وحق آنست که چون احادیث در باب هر یک واقع
شده انکار نمیتوان کرد اما عمده استخاره آن قسم اول است که در این زمانها متروک گشته ابعد

و بعد از آن آن دعا را بخواند شاید بد نباشد و ایضا بسندهای معتبر از
حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که یک مرتبه خیر خود را از
خدا بطلبد و او راضی باشد بهر چه خدا از برای او میسر گرداند البته
حق تعالی آنچه خیر اوست برای او میسر گرداند و بسند معتبر دیگر روایت
کرده است که محمد طیار بخدمت حضرت صادق ع عرض کرد که بما رسیده است
که شما فرموده اید که هر که در امری صد مرتبه خیر خود را از خدا بطلبد البته
خدا خیر او را بنزد او بیاورد حضرت فرمود که اگر یکمرتبه نیز خیر خود را
بطلبد خدا خیر او را بخیر او برساند و باسانید صحیحه روایت کرده است
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که طلب خیر در هر رکعت از رکعات
نافله نماز پیشین کردن خوبست مؤلف گوید که شاید مراد طلبیدن در
سجده باشد و در مکارم الاخلاق از حضرت صادق علیه السلام روایت وکتاب [illegible]
کرده اند که در استخاره باید که طلب خیر خود کنند از خداوند عالمیان
در سجده آخر نافله صبح صد و یک مرتبه باین نحو که بگوید الحمد لله رب العالمین
و اللهم صل علی محمد و آله پس پنجاه مرتبه بگوید استخیر الله برحمته
پس باز حمد و صلوات را اعاده کند و پنجاه و یک مرتبه بگوید استخیر
الله برحمته و سید رضی الله عنه این روایت را نقل کرده است و گفته است
که بعد از آن میگوید اللهم یا ابصر الناظرین و یا اسمع السامعین و یا

و خدا را مذکوره باکمه اسرع الحاسبین و یا ارحم الراحمین صل علی
محمد و آله و خر لی فی الامر الذی اردت و اگر تواند بعربی حاجت خود را
ذکر کند و باز بگوید لا اله الا الله العلی العظیم لا اله الا الله الحلیم الکریم
رب بحرمة محمد و آله صل علی محمد و آله و خر لی فی الامر الذی اردت
فی الدنیا و الآخرة خیرة فی عافیة و باز اگر تواند حاجت خود را ذکر کند
بجای فی الامر الذی اردت و در فقه الرضا علیه السلام مذکور است که هرگاه
اراده امری داشته باشی و در مکارم الاخلاق از حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه روایت کرده است در کیفیت استخاره که دو رکعت نماز میکذارد
و بعد از نماز صد مرتبه میگوید استغفر الله پس میگوید اللهم انی قد
هممت بامر قد علمته فان کنت تعلم انه خیر لی فی دینی و دنیای
و آخرتی فیسره لی و ان کنت تعلم انه شر لی فی دینی و دنیای
و آخرتی فاصرفه عنی کرهت نفسی ذلک ام احبت فانک
تعلم و لا اعلم و انت علام الغیوب پس عزم میکند بامری که اراده کرده
است و ایضا روایت کرده است که مردی آمد بخدمت حضرت صادق
علیه السلم و گفت فدای تو شوم گاه هست که کاری را میکنم و بعد از آن پشیمان
میشوم حضرت فرمود که چرا استخاره نمیکنی گفت فدای تو شوم چگونه استخاره
کنم فرمود که چون نماز صبح را کردی دست را بلند کن برابر روی خود

د بار

ℹ

وبگو اللهم انّك تعلم ولا اعلم وانت علام الغيوب فصلّ على محمد وآل
محمد وخر لي في جميع ما عزمت به من اموري خيارًا بركة وعافية
وایضا از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که چون حضرت
علی بن الحسین صلوات الله علیه اراده حجی یا عمره یا بنده آزاد کردنی
یا خریدنی یا فروختنی میکرد طهارت وضو میساخت و دو رکعت نماز استخاره
میکرد و در رکعت اول بعد از فاتحه سوره الرحمن و در دویم سوره حشر
میخواند و بعد از نماز دویست مرتبه طلب خیر از خدا میکرد یعنی میگفت
استخير الله ه یا استخير الله برحمته خيرة في عافية پس سوره قل
هو الله وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس میخواند پس میگفت
اللهم اني قد هممت بامر قد علمته فان كنت تعلم انه خير لي في ديني
ودنياي وآخرتي فاقدره لي وان كنت تعلم انه شر لي في ديني
ودنياي وآخرتي فاصرفه عني رب اعزم لي على رشدي
وان كرهت او احبت ذلك نفسي بسم الله الرحمن الرحيم ما شاء
الله لا حول ولا قوة الا بالله حسبي الله ونعم الوكيل پس متوجه آن
امر میشد و عزم بر آن مینمود و سید ابن طاوس رضی الله عنه بسند صحیح
از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر گاه کسی مطلبی از
پروردگار خود خواهد طلب نماید باید که در آن روز بر شصت مسکین

تصدق کند و هر مسکین را یک صاع گندم بدهد بصاع حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و چون شب شود در ثلث آخر شب غسل کند و جامه کنده که بیشتر ترین
عیالش پوشند بپوشد و بعوض زیر جامه لنگی ببندد پس دو رکعت نماز بجا
آورد و چون در رکعت دویم بسجده اول برود لا اله الا الله بگوید و خدا را
بعظمت و بزرگواری یاد کند و دور نیست که اگر بعد از ذکر سجود تسبیحات
اربع و لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ بگوید خوب باشد پس گناهان
خود را آنچه در خاطر داشته یاد کند و طلب مغفرت و آمرزش بکند و اگر مجمل
بگوید اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِی مَا تَعْلَمُ مِنْ ذُنُوبِی بس باید باشد پس فرمود که چون سر
بسجده دویم بگذارد صد مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْتَجِیرُکَ پس هر حاجت
که دارد از خدا بطلبد و هر مرتبه که بسجده رود لنگ را از زانو دور کند
~~دلنگ~~ که زانو بزمین برسد و عقب لنگ را نیز میان ساقها و رانها داخل
کند که مجموع زانوها و قدمهایش بخاک برسد و علی بن ابراهیم در تفسیر روایت
کرده است از علی بن اسباط ~~حضرت امام رضا علیه السلام~~ که علی بن اسباط
~~حیران بود در رفتن بمصر~~ که از راه دریا بروم یا از راه صحرا حضرت فرمود
که برو بمسجد در غیر وقت نماز واجب و دو رکعت نماز بجا آور و بعد از آن
حضرت

رسول صلی الله علیه و آله

صه

و تجویز در قوت به الاسناد ضعیف

[illegible]

[illegible]

صد و یک مرتبه بگو استخیر الله و بروایت حمیری صد مرتبه بگو و ایضا حمیری
بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که در بالای
سر حضرت امام حسین صلوات الله علیه ~~حمد و تهلیل و تسبیح~~ صد مرتبه
طلب خیر از خدا بکند پس حمد و تهلیل و تمجید تسبیح و تمجید و ثنا کند خدا را
البته خدا خیر او را برای او میسر گرداند یا در دل او چیند از دو مولف
گوید که اگر چنین بگوید ~~لا اله الا الله العلی العظیم~~ لا اله الا الله
الحلیم الکریم و سبحان الله و الحمد لله رب العالمین و لا حول و لا
قوة الا بالله العلی العظیم شاید عمل بحدیث کرده باشد پس صلوات
بفرستد و طلب خیر خود از خدا بکند و دعائی که بعد از این مذکور میشود
بخواند چنانچه در همین حدیث صحیح مذکور است که راوی گفت که شنیدم
از حضرت صادق علیه السلام که در ~~دعای~~ استخاره این دعا میخواندند
اللهم انی اسئلک بعلمک و استخیرک بعزتک و اسئلک
من فضلک العظیم و انت اعلم بعواقب الامور ان کان هذا
الامر خیرا لی فی دینی و دنیای و آخرتی فیسره لی و بارک
لی فیه و ان کان شرا فاصرفه عنی و اقض لی الخیر حیث کان
و رضنی به حتی لا احب تعجیل ما اخرت و لا تاخیر ما عجلت

و کلینی و شیخ بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که دو رکعت
نماز بکن و طلب خیر خود از حق تعالی بکن پس بخدا سوگند یاد میکنم که هیچ مسلمان
طلب خیر از خدا نمیکند مگر آنکه البته آنچه خیر اوست خدا بنزد او می آورد
و ابن بابویه و شیخ طوسی و دیگران بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده اند که هر که هفتاد مرتبه این دعا را برای طلب خیر از خدا بخواند البته
خدا آنچه خیر اوست برای او مقدر میگرداند دعا اینست یَا أَبْصَرَ النَّاظِرِينَ
وَ يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ
يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ خِرْ لِي فِي الْأَمْرِ الَّذِي أَرَدْتُ
و شیخ رضی الدین بسند معتبر از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که حضرت
امام زین العابدین علیه السلام هر گاه اراده امری میکردند مانند حج یا عمره یا
خرید و فروختن یا خریدن یا بنده آزاد کردن وضو میساختند و دو رکعت
نماز استخاره میکردند و در آن دو رکعت سوره حشر و سوره رحمن میخواندند
پس قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد میخواندند
پس این دعا میخواندند اَللّٰهُمَّ إِنْ كَانَ الْأَمْرُ الَّذِي أَرَدْتُ خَيْراً لِي
فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ عَاجِلِ أَمْرِي وَ آجِلِهِ فَيَسِّرْهُ لِي عَلَى أَحْسَنِ الْوُجُوهِ
وَ أَجْمَلِهَا وَ إِنْ كَانَ الْأَمْرُ الَّذِي أَرَدْتُ شَرّاً لِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ
وَ آخِرَتِي وَ عَاجِلِ أَمْرِي وَ آجِلِهِ فَاصْرِفْهُ عَنِّي عَلَى أَحْسَنِ الْوُجُوهِ

وَ آخِرَتِي
وَ أَكْمَلِهَا

ال

ربّنا اعزم لي على رشدي وان كرهت ذلك او ابته نفسي و ابن
بابويه و شيخ و ديگران رضي الله عنهم بسند حسن از حضرت صادق عليه السلام
روايت كرده اند كه هرگاه يكي از شما اراده كاري بكند پس دو ركعت نماز
بكند پس حمد كند خدا را و ثنا گويد بر او و صلوات فرستد بر محمد و آل او
و بگويد اللّهمّ إن كان هذا الأمر خيراً لي في ديني و دنياي فيسّره
لي و قدّره لي و إن كان غير ذلك فاصرفه عنّي راوي پرسيد كه
چه سوره در اين دو ركعت بخوانم فرمود كه هر سوره كه خواهي و اگر خواهي قل
هو الله احد و قل يا ايها الكافرون بخوان و قل هو الله احد در ثواب
برابر است با ثلث قرآن و ايضا ابن بابويه روايت كرده است كه
محمد بن خالد قسري از حضرت صادق عليه السلام سؤال كرد از طريق استخاره
فرمود كه در آخر ركعتهاي نماز شب در سجده صد و يك مرتبه بگو أستخير الله
برحمته ~~به روايت ديگر فرمود كه~~ و بسند ~~ديگر~~ معتبر ديگر روايت كرده است
كه هرگاه حضرت صادق عليه السلام اراده ميفرمودند كه غلامي يا چهارپايي بخرند
يا امر آساني يا حاجت سبكي داشتند براي آن هفت مرتبه طلب خير از
حق تعالي ميكردند و اگر امر عظيمي اراده ميكردند صد مرتبه طلب خير ميكردند
و دعايش أستخير الله برحمته است و در قرب الاسناد بسند معتبر از
حضرت امام موسي عليه السلام روايت كرده است كه مردي بخدمت آنحضرت

و در كافي و سيد ابن باقي [illegible]
[illegible] نقل كرده
اند در دعا [illegible]
اند و در دعا [illegible]

و سيد ابن طاوس ره

و در روايت [illegible] صد مرتبه

آمد و گفت فدای تو شوم میخواهم بسفری بروم و میخواهم مرا استخاره تعلیم
نمایی که اگر خیر من در این سفر باشد خدا برای من میسر گرداند و اگر برای من
شر باشد از من بگرداند حضرت فرمود که میخواهی که باین سفر بروی گفت
آری فرمود که این دعا بخوان تا برای تو خیر شود اللّهمّ قدّر لی ما اردت
واجعله خیراً لی فانّک تقدر علی ذلک وسید ابن طاوس که رضی
الله عنه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که بعد از نماز
استخاره این دعا بخوانند اللّهمّ انّک خلقت اقواماً یلجؤن الی مطالع
النجوم لاوقات حرکاتهم وسکونهم وتصرّفهم وعقدهم وحلّهم وخلقتنی ابرأ
الیک من اللجأ الیها ومن طلب الاختیارات بها واتیقّن انّک لم تطلع — ایقن نـ ر
احداً علی غیبک فی مواقعها ولم تسهّل له السبیل الی تحصیل افاعیلها
وانّک قادر علی نقلها فی مداراتها فی مسیرها (سیرها نـ ر) عن السعود العامّة و
الخاصّة الی النحوس ومن النحوس الشاملة والمفردة الی السعود لانّک
تمحو ما تشاء وتثبت وعندک امّ الکتاب ولانّها خلق من خلقک وصنعة
من صنیعک (صنعك نـ ر) وما اسعدت من اعتمد علی مخلوق مثله واستمدّ الاختیار
لنفسه وهم اولئک ولا اشقیت من اعتمد علی الخالق الذی انت هو لا اله
الّا انت وحدک لا شریک لک واسألک بما تملکه وتقدر علیه وانت به ملیٌّ — وسألك نـ ر
وعنه غنیّ والیه غیر محتاج وبه غیر مکترث من الخیرة الجامعة للسلامة

والعافیة

والعافية والغنيمة لعبدك من حدث الدنيا التي اليك فيها ضرورته لمعاشه ومن
خيرات الآخرة التي عليك فيها معوّله وانا هو عبدك اللهم فتولّ يا مولاي
اختيار خير الاوقات لحركتي وسكوني ونقضي وابرامي وسيري وحلولي وعقدي
وحلّي واشدد بتوفيقك عزمي وسدد فيه رأيي واقذفه في فؤادي حتى
لا يتأخر ولا يتقدم وقته عني وابرم من قدرك كل نحس يعرض بحاجز حتم
من قضائك يحول بيني وبينه ويباعده مني ويباعدني منه في ديني
ونفسي ومالي وولدي واخواني واعذني به من الاولاد والاموال والبهائم
والاعراض وما احضره وما اغيب عنه وما استصحبه وما اخلفه وحصني
من كل ذلك بعياذك من الآفات والعاهات والبليات ومن التغيير
والتبديل والنقمات والمثلات ومن كلمتك الحالقة ومن جميع المخلوقات
ومن سوء القضاء ومن درك الشقاء ومن شماتة الاعداء ومن الخطاء
والزلل في قولي وفعلي وملكني الصواب فيهما بلا حول ولا قوة الا بالله العلي
العظيم بلا حول ولا قوة الا بالله الحليم الكريم بلا حول ولا قوة الا بالله العزيز
العظيم بلا حول ولا قوة الا بالله حرزي وعسكري بلا حول ولا قوة الا
بالله سلطاني ومقدرتي بلا حول ولا قوة الا بالله عزتي ومنعتي
اللهم انت العالم بجوائل فكري وجوائس صدري وما يترجح في الاقدام

[Margin notes: وانزم زاط — المخوفات صر — العليم ازم]

عليه والاحجام عنه مكنون ضميري وسري وانا فيه بين حالين خير ارجوه
وشر اتقيه وسهو يحيط بي ودين احوطه فان اصابني الخيرة التي انت خالقها — اصابتني زر
لتهبها لي لا حاجة بك اليها بل بجود منك علي بها غنمت وسلمت وان
اخطاتني خسرت وعطبت اللهم فارشدني منه الى مرضاتك وطاعتك
واسعدني فيه بتوفيقك وعصمتك واقض بالخير والعافية والسلامة التامة
الشاملة الدائمة لي فيه حتم اقضيتك ونافذ عزمك ومشيتك واني ابرأ — اني زر
اليك من العلم بالاوفق من مباديه وعواقبه وفواتحه (مفاتحه زر) وخواتمه ومسالمه — بالارفق زر
ومعاطبه ومن القدرة عليه واقر انه لا عالم ولا قادر على سداده
سواك فانا استهديك واستعينك واستقضيك واستكفيك وادعوك — واستفتيك زر
وارجوك وما تاه من استهداك ولا ضل من استفتاك ولا دهي من استكفاك
ولا خاب من دعاك ولا اخفق من رجاك فكن لي عند احسن ظنوني — خاب زر
وامالي فيك يا ذا الجلال والاكرام انك على كل شيء قدير واستنهضت
لمهمي هذا ولكل مهم اعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم بسم الله
الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين
الرحمن الرحيم مالك يوم الدين اياك نعبد واياك نستعين اهدنا
الصراط المستقيم صراط الذين انعمت عليهم غير المغضوب عليهم ولا

الضالين

9

الضالین قل اعوذ برب الناس ملک الناس اله الناس من شر الوسواس الخناس
الذی یوسوس فی صدور الناس من الجنة والناس قل اعوذ برب الفلق
من شر ما خلق ومن شر غاسق اذا وقب ومن شر النفاثات فی العقد
ومن شر حاسد اذا حسد قل هو الله احد الله الصمد لم یلد ولم یولد
ولم یکن له کفوا احد پس بخواند سوره تبارک الذی بیده الملک تا آخر سوره

پس بگو

واذا قرات القران جعلنا بینک
وبین الذین لا یؤمنون بالآخرة حجابا مستورا وجعلنا علی قلوبهم اکنة
ان یفقهوه وفی آذانهم وقرا واذا ذکرت ربک فی القرآن وحده ولوا
علی ادبارهم نفورا اولئک هم الغافلون افرایت من اتخذ الهه هواه
واضله الله علی علم وختم علی سمعه وقلبه وجعل علی بصره غشاوة
فمن یهدیه من بعد الله افلا تذکرون ومن اظلم ممن ذکر بآیات ربه
فاعرض عنها ونسی ما قدمت یداه انا جعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه
وفی آذانهم وقرا وان تدعهم الی الهدی فلن یهتدوا اذا ابدا الذین قال
لهم الناس ان الناس قد جمعوا لکم فاخشوهم فزادهم ایمانا وقالوا حسبنا الله
ونعم الوکیل فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم یمسسهم سوء واتبعوا رضوان الله

والله ذو فضل عظيم فاضرب لهم طريقا في البحر يبسا لا تخاف دركا ولا تخشى
لا تخافا انني معكما اسمع وارى واستنهضت لمهمي هذا ولكل مهم اسماء الله
العظام وكلماته التوام وفواتح سور القرآن وخواتيمها ومحكماتها وقوارعها
وكل عوذة تعوذ بها نبي او صديق حم شاهت الوجوه وجوه اعدائي فهم
لا يبصرون وحسبي الله ثقة وعدة ونعم الوكيل والحمد لله رب العالمين
وصلواته على سيدنا محمد رسوله وآله الطاهرين و ایضا سید رضی الله عنه
بسند معتبر روایت کرده است از حضرت امام رضا علیه السلام که روایت کرد
از پدرش از حضرت امام جعفر صلوات الله علیهما که هر که این دعا بخواند در کاری
که اراده کند ببیند در عاقبت آن کار مگر آنچه خیر خواهد بود و دوست دارد
و دعا اینست اللهم ان خيرتك تنيل الرغائب و
تجزل المواهب وتطيب المكاسب وتغنم المطالب وتهدي الى احمد
العواقب وتقي من محذور النوائب اللهم اني استخيرك فيما عقد عليه
رأيي وقادني اليه هواي فاسئلك يا رب ان تسهل لي من ذلك ما تعسر
وان تعجل من ذلك ما تيسر وان تعطيني يا رب الظفر فيما استخرتك
فيه وعونا بالانعام فيما دعوتك وان تجعل يا رب بعده قربا وخوفه
امنا ومحذوره سلما فانك تعلم ولا اعلم وتقدر ولا اقدر وانت

عَلَّامُ الْغُيُوبِ اَللّٰهُمَّ اِنْ يَكُنْ هٰذَا الْاَمْرُ خَيْرًا لِي فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اٰجِلِ خ م
فَسَهِّلْهُ لِي وَيَسِّرْهُ عَلَيَّ وَاِنْ لَمْ يَكُنْ فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَاقْدِرْ لِي فِيهِ الْخِيَرَةَ اِنَّكَ
عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وايضا سيد رحمه الله روايت كرده
است از محمد بن مظفر كه آخر فرماني كه از حضرت صاحب الامر
صلوات الله عليه بيرون آمد اين دعاي استخاره بود كه بايد بآن عمل
كنند و در نمازهاي حاجت نيز ميتوان خواندن

و دعا اينست

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَزَمْتَ بِهِ عَلَى السَّمٰوَاتِ
وَالْاَرْضِ فَقُلْتَ لَهُمَا ائْتِيَا طَوْعًا اَوْ كَرْهًا قَالَتَا اَتَيْنَا طَائِعِينَ وَبِاسْمِكَ
الَّذِي عَزَمْتَ بِهِ عَلٰى عَصَا مُوسٰى فَاِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ
الَّذِي صَرَفْتَ بِهِ قُلُوبَ السَّحَرَةِ اِلَيْكَ حَتّٰى قَالُوا اٰمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ رَبِّ مُوسٰى
وَهٰرُونَ اَنْتَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَاَسْاَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي تُبْلِي بِهَا كُلَّ جَدِيدٍ
وَتُجَدِّدُ بِهَا كُلَّ بَالٍ وَاَسْاَلُكَ بِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَكَ وَبِكُلِّ حَقٍّ جَعَلْتَهُ عَلَيْكَ
اِنْ كَانَ هٰذَا الْاَمْرُ خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَاٰخِرَتِي اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ
مُحَمَّدٍ وَتُسَلِّمَ عَلَيْهِمْ تَسْلِيمًا وَتُهَيِّئَهُ لِي وَتُسَهِّلَهُ عَلَيَّ وَتَلْطُفَ لِي فِيهِ تُهَيِّئُهُ ل

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَإِنْ كَانَ شَرًّا لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتُسَلِّمَ عَلَيْهِمْ تَسْلِيمًا وَأَنْ تَصْرِفَهُ عَنِّي بِمَا شِئْتَ بکم ز وآله ز
وَكَيْفَ شِئْتَ وَتُرْضِيَنِي بِقَضَائِكَ وَتُبَارِكَ لِي فِي قَدَرِكَ حَتَّى لَا أُحِبَّ
تَعْجِيلَ شَيْءٍ أَخَّرْتَهُ وَلَا تَأْخِيرَ شَيْءٍ عَجَّلْتَهُ فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ
يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وشیخ طبرسی علیه الرحمة در مجالس روایت
کرده است از امام علی نقی علیه السلام که حضرت صادق علیه السلام فرمود
که پدرم صلوات الله علیه در استخاره این دعا را میخواند اللَّهُمَّ إِنَّ خِيَرَتَكَ
تُنِيلُ الرَّغَائِبَ وَتُجْزِلُ الْمَوَاهِبَ وَتُغْنِمُ الْمَطَالِبَ وَتُطَيِّبُ
الْمَكَاسِبَ وَتَهْدِي إِلَى أَحْمَدِ الْعَوَاقِبِ وَتَقِي مَحْذُورَ النَّوَائِبِ
اللَّهُمَّ يَا مَالِكَ الْمُلُوكِ أَسْتَخِيرُكَ فِيمَا عَزَمَ رَأْيِي عَلَيْهِ وَ
قَادَنِي هَوَايَ إِلَيْهِ فَسَهِّلْ مِنْ ذَلِكَ مَا تَوَعَّرَ وَيَسِّرْ مِنْهُ مَا تَعَسَّرَ یا مولای ز
وَاكْفِنِي فِي اسْتِخَارَتِي الْمُهِمَّ وَادْفَعْ عَنِّي كُلَّ مُلِمٍّ وَاجْعَلْ عَاقِبَةَ
أَمْرِي غُنْمًا وَمَحْذُورَهُ سِلْمًا وَبُعْدَهُ قُرْبًا وَجَدْبَهُ خِصْبًا أَعْطِنِي
يَا رَبِّ لِوَاءَ الظَّفَرِ فِيمَا اسْتَخَرْتُكَ فِيهِ وَفِرَ الْإِنْعَامِ فِيمَا دَعَوْتُكَ
لَهُ وَمُنَّ عَلَيَّ بِالْإِفْضَالِ فِيمَا رَجَوْتُكَ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَ
تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ وشیخ کفعمی رحمة الله علیه

الکتاب

در کتاب بلد الامین از حضرت امام رضا صلوات الله علیه از جمله ادعیه
وسائل این دعا را برای استخاره روایت کرده است اللّهمّ انّ
خیرتک فیما استخیرک فیه تُنیل الرّغائب وتُجزل المواهب
وتُغنم المطالب وتُطیّب المکاسب وتهدی الی اجمل المذاهب
وتسوق الی احمد العواقب وتقی مخوف النّوائب اللّهمّ انّی
استخیرک فیما عزم رأیی علیه وقادنی عقلی الیه فسهّل
اللّهمّ منه ما توعّر ویسّر منه ما تعسّر واکفنی فیه المهمّ و
ادفع عنّی کلّ ملمّ واجعل ربّ عواقبه غنماً ومخوفه سلماً
وبُعده قرباً وجدبه خصباً وارسل اللّهمّ اجابتی وانجح
طلبتی واقض حاجتی واقطع عوائقها وامنع بوائقها و
اعطنی اللّهمّ لواء الظّفر بالخیرة فیما استخرتک ووفور
الغنم فیما دعوتک وعوائد الافضال فیما رجوتک واقرنه
اللّهمّ بالنّجاح وحطه بالصّلاح وارنی اسباب الخیرة واضحة
واعلام غنمها لائحة واشدد خناق تعسّرها وانعش صریع
تیسّرها وبیّن اللّهمّ ملتبسها واطلق محتبسها ومکّن اسّها حتّی

مخوفه

حتى تكون خيرة مقبلة بالغنم مزيلة للغرم عاجلة النفع باقية

الصنع انك ولي المزيد مبتدئ بالجود ~~در فقه الرضا عليه السلام~~

~~و در رسائل شيخ ابن بابويه رحمه الله مذكور است كه هرگاه اراده امري داشته باشي~~

~~در كتاب ...~~ و در محاسن برقي از حضرت رسول صلى الله عليه و آله روايت

در محاسن و مكارم

كرده است كه هر كه طلب خير از خدا كند بايد كه عدد شش طاق باشد و ايضا از

حضرت صادق عليه السلام روايت كرده است كه پدرم هرگاه اراده استخاره ميكرد

وضو ميساخت و دو ركعت نماز ميكرد و مشغول استخاره ميشد و اگر در اثناي

استخاره كسي با او سخن ميگفت سبحان الله ميگفت و سخن با كسي نميگفت تا فارغ ميشد

در محاسن و مكارم

و ايضا از آنحضرت روايت كرده اند كه در استخاره اين دعا خوانند اللهم اني استخيرك

برحمتك و استقدرك الخير بقدرتك عليه لانك عالم الغيب والشهادة

الرحمن الرحيم فاسئلك ان تصلي على محمد النبي و آله كما صليت على

ابراهيم و آل ابراهيم انك حميد مجيد اللهم ان كان هذا الامر الذي

اريده خيرا لي في ديني و دنياي و آخرتي فيسره لي و ان كان غير

ذلك فاصرفه عني واصرفني عنه و ايضا هر دو از آنحضرت روايت كرده اند

كه فرمود كه بعضي از پدران من در استخاره اين دعا ميخواندند اللهم لك

الحمد و بيدك الخير كله اللهم اني استخيرك برحمتك و استقدرك

الخير

الخیر بقدرتک علیه لانک تقدر و لا اقدر و تعلم و لا اعلم و انت
علام الغیوب اللهم فما کان من امر هو اقرب من طاعتک و ابعد
من معصیتک و ارضی لنفسک و اقضی لحقک فیسره لی و یسّرنی
له و ما کان من غیر ذلک فاصرفه عنی و اصرفنی عنه فانک
لطیف لذلک و القادر علیه و در محاسن بسند معتبر روایت کرده است
که حضرت امام محمد باقر علیه السلم فرمود که هرگاه امر عظیمی را اراده کنم صد مرتبه
طلب خیر خود از حق تعالی میکنم و اگر مثل غلام خریدن یا مانند آن باشد سه مرتبه
طلب خیر میکنم میگویم اللهم انی اسئلک بانک عالم الغیب و الشهادة
ان کنت تعلم ان الامر الذی اردت خیر لی فخره لی و یسّره و
ان کنت تعلم انه شر لی فی دینی و دنیای و آخرتی فاصرفه عنی
الی ما هو خیر لی و رضنی فی ذلک بقضائک فانک تعلم و لا
اعلم و تقدر و لا اقدر و تقضی و لا اقضی انک علام الغیوب
مولف گوید که ظاهرش این است که پیش از این دعا صد مرتبه یا
سه مرتبه استخیر الله برحمته بگوید و بعد از آن این دعا را بخواند
و احتمال دارد که همین دعا را مکرر بخواند و ایضا بسند معتبر دیگر از حضرت
صادق علیه السلم روایت کرده است که میگوئی در دعای استخاره استخیر الله
و استقدر الله و اتوکل علی الله و لا حول و لا قوة الا بالله اردت

أَمْرًا فَأَسْئَلُ إِلٰهِي إِنْ كَانَ ذٰلِكَ لَهُ رِضًى أَنْ يَقْضِيَ لِي حَاجَتِي
وَإِنْ كَانَ لَهُ سَخَطًا أَنْ يَصْرِفَنِي عَنْهُ وَأَنْ يُوَفِّقَنِي لِرِضَاهُ **و کلینی**
و شیخ و سید رضی الله عنهم بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده
اند که دو رکعت نماز بکن و طلب خیر از علام الغیوب بکن پس بخدا
سوگند یاد میکنم که هر مسلمان که خیر خود را از خدا بطلبد البته آنچه خیر اوست
بنزد او می آورد **و سید و کفعمی و دیگران** بچندین سند از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام روایت کرده اند که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را سری بود که کم کسی بر آن مطلع
شد و میگفت و من نیز میگویم که لعنت خدا و ملائکه و جمیع خلق خدا
بر کسی باد که افشای سر آنحضرت نماید مگر نزد کسی که اعتماد بر او داشته باشد
پس کتمان کنید راز آنحضرت را بدرستی که شنیدم پیغمبر میفرمود که بخدا سوگند یاد یا علی ص
میکنم که نمیگویم بتو مگر آنچه گوشهای من شنیده و دل من حفظ کرده و دیده
من بسوی آن نظر کرده پس زنهار یا علی سر مرا فاش مکن بدرستی که من
از خداوند خود استدعا کرده ام که هر که افشای سرم کند نزد غیر محرم که او را
بچشاند باو گرمی آتش جهنم را پس فرمود که یا علی بسیاری از مردم اگر عمل
نکنند بآنچه من میگویم در نهایت مرتبه عبادت خواهند بود هر چند عبادت
ایشان کم نماید و اگر نه ترس آن داشتم که طاغیان این امت دین مرا

حالی

ضایع کنند هر آینه این سر را فاش میکردم و بهمه کس میگفتم لهذا پنهانم
که غیر کسی که محل اعتماد باشد بداند بدانکه حضرت در شب معراج چون
بآسمان هفتم رسیدم نظر کردم بسوی فرجه از عرش الهی که نور از آن میجوشید
مانند دیگی که در جوشش باشد پس چون خواستم برگردم مرا از نزد آن فرجه نشانیدند
و ندا بمن رسید که ای محمد پروردگارت تورا سلام میرساند و میگوید که تو
گرامی ترین خلق نزد او و نزد او علمی هست که از جمیع پیغمبران و امتهای ایشان
پنهان داشته است بغیر تو و هر که را بپسندی تو از امت تو و کسی که او
بپسندد بعد از خود و چون این دعاها را بخوانند گناهان گذشته ایشان
بر طرف شود و بعد از آن از گناه نترسند و باین سبب امر میکنیم تو را
بکتمان آن تا آنکه عمل کنندگان اکتفا باین نکنند و دست از سایر طاعات
بردارند پس در ضمن دعاها فرمود که یا محمد هر که او را دو امر پیش آید
و خواهد که من از برای او اختیار کنم برای او هر یک را که نزد من پسندیده
تر است پس وقتی که اراده آن امر میکند این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ اَخْتَرْ
لی بِعِلْمِکَ وَ وَفِّقْنی لِرِضاکَ وَ مَحَبَّتِکَ اَللّٰهُمَّ اَخْتَرْ لی بِقُدْرَتِکَ
وَ جَنِّبْنی بِعِزَّتِکَ مَقْتَکَ وَ سَخَطَکَ اَللّٰهُمَّ اَخْتَرْ لی فیما اُریدُ
مِنْ هٰذَیْنِ الْاَمْرَیْنِ و نام میبرد آن دو امر را اَیْسَرَهُما اِلَیَّ وَ اَحَبَّهُما
اِلَیْکَ وَ اَقْرَبَهُما مِنْکَ وَ اَرْضاهُما لَکَ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِالْقُدْرَةِ

الّتی زویت بها علم الاشیاء کلّها عن جمیع خلقک فانّک عالم
بهوای و سریرتی و علانیتی فصلّ علی محمّد و آله واسفع
بناصیتی الی ما تراه لک رضا و لی صلاحا فیما استخرتک فیه
حتّی تلزمنی من ذلک امرا ارضی فیه بحکمک واتّکل فیه علی قضائک
واکتفی فیه بقدرتک ولا تقلبنی وهوای لهواک مخالف ولا ما
ارید لما ترید مجانب اغلب بقدرتک الّتی تقضی بها ما احببت لی ص
علی من احببت بهواک هوای و یسّرنی للیسری الّتی ترضا بها
عن صاحبها ولا تخذلنی بعد تفویضی الیک امری برحمتک الّتی
وسعت کلّ شیء اللّهم اوقع خیرتک فی قلبی وافتح قلبی للزومها
یا کریم آمین ربّ العالمین پس هر گاه این دعا بخواند من اختیار میکنم
برای او منافع اورا در دنیا و آخرت و سید بسند موثق از زراره روایت
کرده است که گفت بحضرت امام محمّد باقر علیه السلام عرض کردم که هر گاه اراده
کاری داشته باشم و خواهم طلب خیر خود از پروردگار خود بکنم چگونه بگویم
حضرت فرمود که هر گاه اراده استخاره داشته باشی روز سه شنبه و چهار
شنبه و پنجشنبه را روزه بدار پس در روز جمعه در مکان پاکیزه دو رکعت نماز

بکن

بكن پس نظر كن بجانب آسمان و صد مرتبه بگو اللّهمّ انّي اسئلك بانّك
عالم الغيب والشّهادة الرّحمن الرّحيم انت عالم الغيب ان كان هذا
الامر خيرا لي فيما احاط به علمك فيسّره لي وبارك لي فيه وافتح
لي بابه وان كان ذلك شرّا لي فيما احاط به علمك فاصرفه
عنّي بما تعلم فانّك تعلم ولا اعلم وتقدر ولا اقدر وتقضي و
لا اقضي وانت علّام الغيوب **وايضا** بسند معتبر از كتاب دلائل
حميري روايت كرده است از محمد بن سهل قمّي كه گفت من در مكّه معظمه مجاور
بودم پس رفتم بمدينه و بخدمت حضرت امام محمد تقي عليه السلام مشرف شدم
و اراده داشتم كه از حضرت سؤال كنم از براي شرف و كرامت جامه را
كه بپوشم و ميسّر نشد كه سؤال كنم تا وداع كردم و بيرون آمدم و خواستم كه از
مدينه بيرون روم باز بخاطرم رسيد كه عريضه بخدمت حضرت بنويسم و جامه را
سؤال كنم چون تردّدي داشتم عريضه را نوشتم و رفتم بمسجد حضرت رسول صلعم كه
و دو ركعت نماز استخاره كردم و بعد از آن صد مرتبه طلب خير از خدا كردم
پس در دلم افتاد كه نامه را نفرستم نامه را دريدم و از مدينه بيرون رفتم
چون روانه شدم ديدم كه خادم آنحضرت در ميان قطارها ميگردد و سؤال
از مكان من ميكند چون بمن رسيد دستمالي بمن داد كه دو پارچه بسيار
خوشي قماش نازك در ميان آن پيچيده بود و گفت مولاي تو اين جامها را

لي بابه

برای تو فرستاده است پس احمد بن محمد بن عیسی راوی حدیث گفت که در آن روز
محمد بن سهل برحمت خدا رفت و من او را غسل دادم و در همان جامها که حضرت
فرستاده بودند او را کفن کردم **مؤلف گوید** که در این حدیث چند معجزه از آن
جناب ظاهر شده اول آنکه حضرت دانسته که در خاطر او بوده که جامه طلب کند
برای او فرستادند دوم آنکه اشعار فرمودند که اجل او نزدیک شده احتیاج بجامه و خشت
ندارد سیم آنکه جامها بعد از ثواب ضروری کفن برای او فرستادند زیرا که
میدانستند که در کفن بآنها محتاج خواهد شد و سید رحمه الله این حدیث
را برای آن نقل کرده است که استخاره و نماز آن باین نحو میان محدثین
شیعه مشهور و معروف بوده و این حدیث بباب آینده انسب است
و شیخ طوسی علیه الرحمه در کتاب مبسوط و نهایه گفته است که سنت است
آدمی که در امری که اراده کند دو رکعت نماز بکند و هر سوره که خواهد در آن
دو رکعت بخواند و قنوت در رکعت دویم بخواند و بعد از سلام هر دعا که داند
بخواند و مطلب خود را بطلبد پس بسجده رود و صد نوبت بگوید استخیر و
الله فی جمیع اموری و ابن ادریس و ابن البراج نیز نزدیک باین گفته اند
و سید بسند صحیح از محمد بن مسلم روایت کرده است که اراده شام کردم و حضرت
صادق علیه السلام مرا امر کرد که این دعا بخوانم اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ هٰذَا الْوَجْهُ الَّذِی
هَمَمْتُ بِهٖ خَيْرًا لِی فِی دِينِی وَ دُنْيَایَ وَ عَاقِبَةِ اَمْرِی وَ لِجَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ فَيَسِّرْهُ
وَ بَارِكْ لِی فِيهِ وَ اِنْ كَانَ ذٰلِكَ شَرًّا لِی فَاصْرِفْهُ عَنِّی اِلٰى مَا هُوَ خَيْرٌ لِی

من

فانک تعلم ولا اعلم وتقدر ولا اقدر وانت علام الغیوب

پس صد مرتبه بگویم استخیر الله چون چنین کردم رفتن بشام بر طرف شد و

ماه نهیه را صرف سفر حج کردم و ابصار اوی نیکو گفت که استخیر الله را در امر

عظیم صد و یک مرتبه بگوید و در امر سهل ده مرتبه و ابن براج قدس سره در مهذب

گفته است که بهترین انواع استخاره آنست که دو رکعت نماز بجا آورد چنانکه

سایر نوافل را میکند و قنوت در رکعت دویم بخواند و در سجده آخر نماز

صد مرتبه بگوید استخیر الله پس بگوید لا اله الا الله الحلیم الکریم

لا اله الا الله العلی العظیم رب بحق محمد و آل محمد صل علی

محمد و آل محمد و خر لی فی الامر الذی اردت **مولف گوید**

که احادیث در باب این نوع استخاره بسیار است و چون بعضی با آنچه

مذکور شد اختلاف یسیری است بهمین اکتفا نمود و بهر یک از اینها که

ذکر کردیم اگر عمل کند خوبست و اگر بعضی را با بعضی ضم کند تمامتر خواهد بود

مفتاح دویم در بیان نوع دویم استخاره است که بعد از عمل استخاره رجوع

بقلب خود کند و آنچه در خاطرش رجحان بهم رساند بآن عمل نماید چنانچه

شیخ طوسی قدس الله روحه در کتاب اقتصاد گفته است که کسی که اراده امری

کند سنت است که غسل کند و دو رکعت نماز بجا آورد و بعد از آن بسجده

رود و صد مرتبه بگوید استخیر الله تعالی فی جمیع اموری کلها خیرة

فی عافیة پس آنچه در دلش افتد بآن عمل کند **و کلینی و شیخ و سید و طبرسی**

رحمة الله علیهم بسند کالصحیح روایت کرده اند که ابن اسباط اراده مصر داشت
و در راه دریا و صحرا متردد بود حضرت امام رضا صلوات الله علیه فرمود که
برو بسی در غیر وقت نماز واجب و دو رکعت نماز بکن و صد مرتبه طلب خیر
خود از خدا بکن و آنچه در دلت می افتد بآن عمل کن و بروایت حمیری صد مرتبه
علی بن ابرهیم صد و یکمرتبه استخیر الله بگوید و اگر استخیر الله برحمته
خیرة فی عافیة بگوید بهتر است وشیخ رحمه الله در مجالس بسند معتبر از حضرت
امام علی نقی علیه السلم روایت کرده است که حضرت صادق صلوات الله علیه فرمود
که هرگاه یکی از شما را حاجتی عارض شود باید که مشورت با پروردگار خود بکند
گفتند چگونه مشورت کند فرمود که بعد از نماز فریضه بسجده رود و صد مرتبه
بگوید اللهم خر لی پس متوسل شود بما و صلوات فرستد بر ما و ما را شفیع گرداند
در درگاه کبریای خدا پس آنچه حق تعالی بدلش می اندازد بآن عمل کند و این مطلب
را اگر بفارسی بگوید نیز خوبست و اگر بگوید که اللهم انی اتوسل الیک
بنبیک نبی الرحمة محمد و اهل بیته الطاهرین و اتوجه بهم الیک ان
تصلی علی محمد و آل محمد و ان تلهمنی ما هو خیر لی فی دینی و دنیای
و آخرتی خیرة فی عافیة برحمتک یا ارحم الراحمین ظاهرا خوب باشد
و در فقه الرضا علیه السلم مذکور است که هرگاه امری را اراده کنی دو رکعت
نماز بکن و صد مرتبه استخیر الله بگو پس بگو لا اله الا الله العلی
العظیم لا اله الا الله الحلیم الکریم رب بحق محمد و علی خر لی
فیما اردت للدنیا و الآخرة خیرة من عندک لک فیه رضا

و لی

16

وَلي فيه صلاحٌ في خيرٍ و عافيةٍ يا ذا المنّ و الطَّول پس آنچه رایش بر آن
قرار گیرد بعمل آورد و سید رضی الله عنه بسندهای صحیح و معتبر روایت
کرده است که مردی بحضرت امام محمد جواد علیه السلم که عریضه در باب فروختن
ملکی نوشت در جواب نوشتند که دو رکعت نماز بجا آور و بعد از آن
صد مرتبه طلب خیر خود از خدا بکن و در اثنای استخاره با کسی سخن مگو تا صد مرتبه
تمام شود پس اگر در دلت بیفتد فروختن آن ملک بفروش و دیلمی در فردوس
الاخبار روایت کرده است که حضرت رسول صه بانس گفت که هر وقت
که امری را اراده کنی هفت مرتبه طلب خیر از پروردگار خود بکن پس آنچه در
دل تو بیفتد بکن که خیر تو در آنست و ایضا در صحاح عامه از جابر بن عبد الله
انصاری روایت کرده اند که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله که استخاره را
تعلیم ما میکرد چنانچه سوره قرآن را تعلیم میکرد و میگفت که هر یک از شما که
بامری اهتمام داشته باشد قصد نماید دو رکعت نماز بکند در غیر وقت نماز واجب
پس بگوید اَللّهمّ اِنّي اَستخيرك بعلمك و اَستقدرك بقدرتك و اَسئلك
مِن فضلك العظيم فانّك تقدر و لا اقدر و تعلم و لا اعلم و انت علّام
الغيوب اللّهمّ ان كنت تعلم انّ هذا الامر خيرٌ لي في ديني و معاشي
وَ عاجل امري و آجله فاقدره لي و يسّره لي ثمّ بارك لي فيه اللّهمّ و ان

كنت تعلم ان هذا الامر شر لي في ديني ومعاشي وعاجل امري وآجله
فاصرفه عني واصرفني عنه واقدر لي الخير حيث كان وارضني به
و حاجت خود را نام برد و شیخ مفید در مقنعه و علی بن بابویه در رساله
گفته اند که هر گاه امری اراده کنی دو رکعت نماز بکن و صد و یک مرتبه استخیر الله
برحمته بگو و این دعا بخوان لا اله الا الله العلی العظیم لا اله الا الله
الحلیم الکریم رب بحق محمد و آل محمد صل علی محمد و آله و خر لی فیما ارید
للدنیا والآخرة خیرة منک فی عافیة پس هر چه بر آن عزم کنی بعمل آور
و شیخ در ... و کلینی و سید و غیر ایشان بسند معتبر روایت کرده اند که اسحق بن عمار از
حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که بسیار واقع میشود که امری را اراده میکنیم و بعضی
مرا امر میکنند بآن و بعضی نهی میکنند حضرت فرمود که هر گاه چنین باشد دو
رکعت نماز بکن و صد و یک مرتبه طلب خیر از خدا بکن پس نظر کن که کدام یک در
دل تو راجح است پس آنرا بکن که انشاء الله خیر تو در آنست و باید که
طلب خیر را در عافیت بکنی باینکه بگوئی استخیر الله برحمته خیرة فی
عافیة زیرا که بسا باشد که خیر آدمی در بریدن دست او باشد یا در مردن
فرزند او یا در رفتن مال او و بعضی هر چند خیر در اینها باشد اما چون اکثر خلق صبر
برای بلاها نمیتوانند کرد و حق تعالی قادر است بر آنکه خیر را در امری قرار دهد که
مقرون بعافیت از این بلاها باشد پس در دعا باید که شرط عافیت بکند و سید

ابن

بسند صحیح از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که هر بنده که صد مرتبه
طلب خیر از حق تعالی بکند البته آنچه خیر اوست در دلش می افتد میگوید اللهم
عالم الغیب والشهادة ان کان ما اردت خیراً لاخر دنیای وآخرتی
وعاجل امری وآجله فیسّره لی وافتح لی بابه ورضّنی فیه بقضائک
ودر عیون اخبار الرضا از آنحضرت علیه السلام روایت کرده است که حضرت
صادق صلوات الله علیه فرمود در استخاره که بعد از نماز فریضه سجده میرود
وصد مرتبه میگوید اللهم خِر لی پس متوسل میشود برسول خدا وائمه هدی صلوات
الله علیهم وصلوات برایشان میفرستد وایشانرا شفیع خود میگرداند پس آنچه
بعد از آن خدا او را الهام کند عمل بآن میکند زیرا که البته از جانب حق تعالی است

مفتاح سیم استخاره بجناب مقدس الهی است با مشورت کردن با مؤمنان بدانکه
مشورت کردن با برادران مؤمن عاقل از اهم امور است وتاکید بسیار در آیات
واخبار در آن وارد شده است چنانچه حق تعالی برای تعلیم سایر بندگان وتالیف
قلب مؤمنان وامتحان منافقان حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله را
که صاحب عقل کل بود وخاطر مقدسش مهبط اسرار وحی الهی ومشرق انوار
الهامات نامتناهی بود خطاب نمود که وشاورهم فی الامر فاذا عزمت
فتوکل علی الله ان الله یحب المتوکلین یعنی با اصحابه مشورت کن در امر جهاد
وغیر آن که اراده مینمایی پس چون عزم کنی بر آنچه ما بزبان ایشان جاری
میسازیم وبخاطر مقدس تو می اندازیم پس توکل کن بر خدا وکار خود را باو
بگذار واعتماد بر غیر او مکن بدرستی که خدا دوست میدارد آنها را که در همه امور

برخداوند خود توکل میکنند پس با وجود امر آنحضرت بمشوره برای تعلیم سایر
بندگان و تارة تطییب خاطر مؤمنان و مصالح بسیار دیگر باز امر فرمود بتوکل
و اعتماد بر جناب مقدس او و تفویض امور خود بعلم کامل و لطف شامل او
پس با ارتکاب مشورت باید که اعتماد بر آرای خلق نکند و خیر خود را از
علام الغیوب طلب کند تا آنچه خیر اوست حق تعالی بر زبان ایشان جاری
گرداند و ایضا در جای دیگر فرموده است والذین استجابوا لربهم واقاموا
الصلوة وامرهم شوری بینهم ومما رزقناهم ینفقون پس مدح کرده
است جماعتی را که اجابت میکنند پروردگار خود را در هر امری از امور
دین که ایشان را بسوی آن میخوانند و نماز را برپا میدارند در اوقات
فضیلت با شرایط و آداب آن و کار ایشان مشورت است در میان
ایشان یعنی مستبد برای خود نمی باشند و در هر کار با یکدیگر مشورت
میکنند و از آنچه بایشان روزی کرده ایم از مال حلال در راه رضای
ما انفاق میکنند و ازین آیه کریمه نهایت مبالغه در مشورت ظاهر
میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که با کسی مشورت
کند البته هدایت می یابد بآنچه خیر او در آنست و در حدیث دیگر فرمود که
یا علی کسی که طلب خیر خود از خدا میکند هرگز در کار خود حیران نمیشود و کسی که
در کارها با مردم مشوره میکند پشیمان نمیشود و از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه مرویست که نفس خود را بخطرهایی انداز دیگری مستغنی

میشود

میشود برای خود از رای دیگران و سید و برقی و دیگران بسند معتبر از حضرت
صادق علیه السلم روایت کرده اند که مشورت نمی باشد مگر با چهار حد اگر
کسی آنها را رعایت کند منتفع شود و اگر نکند ضررش بر او مشورت کننده زیاده میشود صحـ
از نفع آنست اول آنکه با کسی مشورت کنی که عاقل باشد دویم آنکه آزاد
و دین دار و صالح باشد سیم آنکه دوست و برادر مؤمن باشد چهارم
آنکه او را بر سر و راز خود مطلع گردانی بنحوی که چنانچه تو راز خود را میدانی
او هم بداند و اعتماد بر او داشته باشی که افشای راز تو نمیکند نزد مردم
اما اول برای آنکه اگر عاقل باشد صاحب رای او بکار تو می آید و رای احمق بکار
نمی آید و اما دویم برای آنکه اگر آزاد و دین دار باشد سعی میکند که خیر تو را
بداند و بتو بگوید و اگر از خدا نترسد پروا ندارد از آنکه خیر تو را از تو پنهان کند نی صح
و اما سیم بجهت آنکه اگر یار و برادر ایمانی تو باشد که راز خود را با او توانی گفت و اما
چهارم برای آنکه تا اسرار تو را نداند خیر تو را نمیتواند دانست مؤلف گوید
که در عبارت حدیث اجمالی هست و حاصل مضمونش آنست که مذکور شد و دور نیست
که مراد از آزاد آزاد مرد خوش اخلاق باشد چنانچه بسند معتبر از حسن بن
الجهم منقولست که حضرت امام رضا علیه السلم فرمود که عقل پدرم بمرتبه بود که
عقلهای دیگران را با آن نمیتوانست سنجید و با آن مرتبه از علم و عقل بسیار بود
که با یکی از سیاهان غلامان خود مشورت میکرد میگفتند با چنین کسی مشورت
میکنی جواب میفرمود که بسا باشد که خدا خیر مرا بر زبان او جاری گرداند

پس آنچه آن سیاهان میکنند از مصالح بساتین و مزارع آنحضرت بآن عمل مینمود
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که از حضرت رسول صلعم پرسیدند
که حزم و دور اندیشی چیست فرمود که مشورت کردن با صاحبان عقل
و رای نیک و متابعت ایشان کردن و در مکارم از حضرت صادق علیه السلام
روایت کرده است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که مشورت کردن
با عاقل ناصح خیرخواه موجب میمنت و مبارکی و رشد و صلاح و توفیق حق
تعالی است پس هرگاه خیرخواه دانای عاقل رایی برای تو اختیار کند
زنهار مخالفت او مکن که باعث هلاک تو میگردد و در حدیث دیگر فرمود که
هیچ معاونی بهتر از مشورت کردن نیست و هیچ عقلی بهتر از تدبیر نیست
و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که مشورت کن با جماعتی
که از خدا ترسند و دوست دار برادران مؤمن را بقدر پرهیزکاری ایشان
و بپرهیز از زنان بد و از نیکان ایشان نیز در حذر باش اگر ترا بنیکی
امر کنند مخالفت کن ایشان را تا طمع نکنند در آنکه موافقت کنی ایشان را در
بدیها و در حدیث دیگر فرمود که من بیزارم از کسی که مسلمانی با او مشورت
کند و آنچه خیر او را در آن داند باو نگوید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
مرویست که هر گروهی که با یکدیگر مشورت کنند و در میان ایشان کسی باشد
که نامش محمد یا حامد یا محمود یا احمد باشد و در مشورت ایشان داخل باشد
البته آنچه خیر ایشانست برای ایشان ظاهر میشود و از حضرت صادق

علیه

عليه السلام منقولست كه مشورت كن با مردان عاقل پرهيزكار زيرا كه امر نميكنند
ترا مگر بنيكي و زنهار كه مخالفت ايشان مكن كه مخالفت داناي پرهيزكار
باعث فساد دين و دنياست و بسند معتبر از حضرت صادق عليه السلام منقولست
كه اگر خواهي نعمت الهي براي تو مستقيم باشد و مروت و مردي تو كامل و تمام
باشد و زندگاني تو نيكو باشد پس در امور خود با برده و با مردم دون مشورت دنيا وصـ
مكن و از حضرت رسول صلى الله عليه و آله مرويست كه مشورت مكن با جبان
و ترسان كه راه بدر شدن را بر تو تنگ ميكند و بسبب جبني كه دارد در راه كشادرا
بتو نمي نمايد و مشورت مكن با بخيل كه مانع ميشود ترا از رسيدن بنهايت
مقصود خود و مشورت مكن با كسي كه حرص دنيا داشته باشد زيرا كه زينت
ميدهد براي تو بدترين رأيها را و بسند معتبر از حضرت صادق عليه السلام منقولست
كه هر كه برادر مؤمنش با او مشورت كند و آنچه محض خير او را در آن داند نگويد
حق تعالى عقل و رأيش را از او سلب كند و در محاسن و معاني الاخبار و فتح
الابواب بسندهاي معتبر از حضرت صادق صلوات الله عليه منقولست كه هرگاه
يكي از شما كاري را اراده كند با كسي مشورت نكند تا آنكه پيش از آن با
خداوند خود مشورت كند راوي گفت چگونه با خدا مشورت كند فرمود كه
اول از حق تعالى طلب خير خود بكند بعد از آن با مؤمنان مشورت كند
تا خدا آنچه خير او در آنست بر زبان ايشان جاري گرداند و در مكارم از
حضرت صادق عليه السلام روايت كرده است كه هرگاه امري را اراده كني پس

با کسی مشورت مکن تا با خدا مشورت کنی پرسیدند که چگونه با پروردگار خود
مشورت کند فرمود که صد مرتبه بگوید أستخیر الله پس با مردم مشورت کند
تا خدا خیر او را بر زبان هر که خواهد جاری کند و بسند معتبر از حضرت
صادق علیه السلم روایت کرده است که چون احدی از شما یعنی شیعیان
اراده کند که چیزی بخرد یا بفروشد یا داخل امری شود پس اول خیر
خود را از خدای عز و جل سؤال کند تا آنکه بگوید اللّهمّ إنّی أرید أمرا
فإن کان خیرا لی فی دینی و دنیای و آخرتی و عاجل أمری و آجله
فیسّره لی و إن کان شرّا لی فی دینی و دنیای فاصرفه عنّی
ربّ اعزم لی علی رشدی و إن کرهته و أبته نفسی پس با ده
نفر از مؤمنان مشورت کند در آن امر که اراده کرده است و اگر ده
کس نیابد با پنج نفر مشورت کند با هر یک دو بار و اگر نیابد مگر دو نفر
از مؤمنان با هر یک پنج مرتبه مشورت کند و اگر نیابد مگر یک مرد با او
ده نوبت مشورت کند مؤلف گوید که اگر صد مرتبه أستخیر الله
را با این حدیث ضم کند اتم و اکمل خواهد بود ان شاء الله تعالی
مفتاح چهارم در بیان استخاره بقرآن مجید است کلینی رحمه الله از حضرت
صادق علیه السلم روایت کرده است که تفأل مکن بقرآن شانی مارحمه

ام

ائمه علیهم این حدیث را تأویل میکرده‌اند که مراد نهی از مجلو فال گشودن از قرآن است
که احوال آینده را از آیات مناسبه استنباط کنند چنانچه بعضی از جهال
این را وسیله روزی خود کرده باین نحو مردم را فریب میدهند و بخاطر قاصر فقیر
میرسد که ممکنست که مراد نهی از تفأل و تطیری باشد که اکثر خلق از دیدن
و شنیدن بعضی امور میکنند و بعضی را برای خود مبارک و بعضی را شوم میگیرند مانند
صدای کلاغ و جغد و دیدن بعضی از حیوانات و غیر آن در افتتاح
سفر و غیر آن یعنی از شنیدن بعضی از آیات کریمه فال نیک و فال بد میگیرند — احوال دیگر هم
و شاید حکمتش این باشد که باعث کم اعتقادی مردم بقرآن کریم
نگردد اگر موافق نیفتد **و استخاره بقرآن مجید** بچندین طریق معروفست و در بعض
از کتب مذکور است **اول** آنکه بعد از طلب خیر از جناب مقدس ربانی
مصحف را بگشاید و آیه اول صفحه دست راست را ملاحظه نماید اگر
آیه رحمتی یا امر بخیری باشد خوبست و اگر آیه غضبی یا نهی از شری یا امر
بشری یا عقوبتی باشد بدست و اگر ذو جهتین باشد یا مشتبه باشد
میانه است چنانچه شیخ طوسی در تهذیب و صاحب کتاب الغایات
و سید ابن طاوس رضی الله عنهم بسند معتبر روایت کرده‌اند که یسع بن عبدالله قمی بحضرت
صادق علیه السلام عرض کرد که من اراده میکنم کاری را و طلب خیر از حق تعالی میکنم

ورا ایم بر یکطرف قرار بنگیرد حضرت فرمود که نظر کن در هنگامی که بنماز بر میخیزی
زیرا که دورترین احوال شیطان از آدمی همین حالتی است که بنماز می ایستد
پس ببین که چه چیز در دلت می افتد پس اخذ کن بآن و بگشا مصحف را پس
نظر کن بسوی اول چیزی که می بینی در مصحف پس بآن عمل کن ان شاء الله تعالی
آنست که و بگشا مراد آن باشد که بگشاید و مراد از اول چیزی که می بینی اول
صفحه باشد زیرا که هو غالب آنست که اول نظر بر آن می افتد و مؤید این
معنی است آنچه روایت کرده است ابن ادریس رحمه الله در کتاب سرائر
از شخصی از اصحاب که گفت در خدمت حضرت امام زین العابدین صلوات الله علیه
بودم و عادت آنحضرت این بود که چون نماز صبح میکرد با کسی سخن نمیگفت تا
آفتاب طلوع میکرد روزی که زید فرزند آنحضرت متولد شد بعد از نماز
صبح آنحضرت را بشارت بولادت او دادند پس رو باصحاب خود کرد
و گفت چه نام کنم این فرزند را هر یک از حاضران نامی گفتند حضرت مصحف
طلبید و در دامن خود گذاشت و گشود در اول صفحه این آیه بود وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ
عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا پس مصحف را بر هم گذاشت و بار دیگر گشود این
آیه در اول صفحه بود إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ
بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا

و آنحضرت دو طریق بجهت استخاره و تشخیص خیر بیان فرموده باشد و همچنین صح

ن

فِي التَّوْرٰيةِ وَالْاِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ اَوْفىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللّٰهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ
الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ پس حضرت دو بار فرمود که و اسم کم
زید است و او را زید نام کرد **مولف گوید** که چون حضرت سید دانستند که یکی
از فرزندان او که اسم مسمی بزید خواهد بود در جهاد مخالفان شهید خواهد شد
و جد این دو آیه که در استخاره ظاهر شد اشاره بشهادت او بود دانستند که با این سبب
این همان فرزند است پس او را بزید مسمی گردانیدند و دلالت میکند بر استخاره
باین نحو که مذکور شد بلکه ایمائی بجواز تفأل بقرآن نیز دارد **و ایضا سید**
رحمة الله علیه در فتح الابواب گفته است که خطیب مستغفری در دعوات
خود ذکر کرده است که هر گاه خواهی تفأل نمائی بکتاب خدا پس سه مرتبه
سوره قل هو الله احد بخوان و سه مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرست پس
بگو اَللّٰهُمَّ تَفَأَّلْتُ بِكِتَابِكَ وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ فَاَرِنِي مِنْ كِتَابِكَ مَا هُوَ
الْمَكْتُومُ مِنْ سِرِّكَ الْمَكْنُونُ فِي غَيْبِكَ پس مصحف مجید را بگشا و
عمل کن بآنچه در سطر اول صفحه دست راست ظاهر میشود بی آنکه
اوراق و سطور را بشماری و این را از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
روایت کرده است **مولف گوید** که این حدیث اگرچه از طرق عامه روا
شده است اما مؤید استخاره صفحه اول میتواند شد **طریق دویم استخاره قرآن**
~~طریقی جلاله است که مشهور است که باز با اول صفحه اول نظر کند~~ دیدم
مجید بخط شیخ جلیل شیخ شمس الدین محمد صاحب الکرامات و المقامات جد شیخ

الاسلام والمسلمین شیخ بهاء الدین محمد قدس الله روحها که از خط شیخ سعید شهید
محمد بن مکی رفع الله درجته نقل کرده که او بسند معتبر از مفضل بن عمر روایت کرده است
که گفت با جمعی از اصحاب در خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نشسته
بودیم پس یکی از ایشان بخدمت آنحضرت عرض کرد که گاه هست اراده کاری
و قصد حاجتی میکنیم پس مصحف مجید را بر میداریم و حاجت خود را بخاطر می آوریم
(و بعد از آن صح)
و قرآن را میگشائیم پس با اول ورق اول نظر میکنیم و بآن استدلال بر نیک و بد
حاجت خود میکنیم حضرت فرمود که میدانید آنچه نکو باید کرد و آنچه که نمیدانید
گفتند فدای تو شوم چگونه باید کرد فرمود که هرگاه یکی از شما را حاجتی باشد
و قصد آن داشته باشد نماز جعفر را بجا آورد و دعای پس از آن بخواند
و چون فارغ شود مصحف را بر دارد و نیت کند فرج آل محمد را که اول ظهور
حضرت صاحب الامر علیه السلام که در این ~~زودی~~ نزدیک خواهد شد و بگوید اللهم
إن كان في قضائك وقدرك أن تفرج عن وليك وحجتك
في خلقك في عامنا هذا أو في شهرنا هذا فاخرج لنا آية
من كتابك نستدل بها على ذلك پس مصحف را بگشاید و هفت
ورق بگرداند و از پشت ورق هفتم ده سطر شمارد و نظر کند سطر
یازدهم که در آنجا امری بر او ظاهر خواهد شد در آن مطلبی که برای آن

گشوده

گشوده پس مصحف را بر هم گذارد و بار دیگر برای حاجت خود قصد میکنند و مصحف
مجید را میگشاید و بهمان نحو که مذکور شد عمل میکند تا حاجت از ظاهر
شود و سید ابن طاوس قدس سره نیز همین عمل را مرسل نقل کرده و
گفته است که در کتب اصحاب ما دیده ام و این احتمال استخاره و فال
هر دو دارد دویم استخاره جلاله مشهور است که قرآن را بگشاید و در صفحه
دست راست نظر کند و عدد لفظ الله هرچه باشد بشمارد و بعد از آن
از طرف چپ ورق بشمارد و بعد از آن بهمان عدد از صفحه دست
چپ سطر بشمارد و آنچه از سطر آخر ظاهر شود عمل کند و اگر در مرتبه اول
استخاره لفظ جلاله در صفحه اول نباشد بار دیگر نیت کند و بگشاید تا جلاله
ظاهر شود و این طریق را اگرچه از سید ابن طاوس نقل میکنند اما در کتاب او نیست
و در غیر آن از کتب معتبره فقه و دعا بنظر فقیر نرسیده و لیکن بخط یکی از فضلا
بحرین دیدم که نوشته بود که دیدم در یکی از تالیفات علمای امامیه رضوان
الله علیهم که او مرسلا از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده بود که
آنحضرت فرمود که هرگاه برای احدی از شما کاری تنگ شود مصحف را بدست گیرد
و عزم کند بر عمل کردن بآنچه ظاهر شود بر او از جانب حق تعالی پس سوره حمد

وسوره قل هو الله احد وآیه الکرسی وآیه وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها
الا هو ویعلم ما فی البر والبحر وما تسقط من ورقة الا یعلمها و
لا حبة فی ظلمات الارض ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین
وسوره انا انزلناه وسوره قل یا ایها الکافرون وسوره قل اعوذ برب
الفلق وسوره قل اعوذ برب الناس پس هر یک از اینها را سه مرتبه بخواند
پس متوجه شود بقرآن مجید وبگوید اللهم انی اتوجه الیک بالقرآن
العظیم من فاتحته الی خاتمته وفیه اسمک الاکبر وکلماتک التامات
یا سامع کل صوت ویا جامع کل فوت ویا باری النفوس بعد
الموت یا من لا تغشاه الظلمات ولا تشتبه علیه الاصوات اسئلک
ان تخیر لی بما اشکل علی به فانک عالم بکل معلوم غیر معلم بحق
محمد وعلی وفاطمة والحسن والحسین وعلی بن الحسین ومحمد الباقر
وجعفر الصادق وموسی الکاظم وعلی الرضا ومحمد الجواد و
علی الهادی والحسن العسکری والخلف الحجة من آل محمد علیه و
علیهم السلم پس مصحف را بگشاید احتیاطی و جلالات صفحه راست را شماره کند
و بعدد آن اوراق شمارد پس بعد از آن از صفحه دست چپ بهمان عدد بشماره
سطر

و بخط بعضی از فضلا [illegible]

[illegible marginal notes]

سطر بشمارد پس سطر آخر نظر کند که آن بمنزلهٔ وحی است در مطلبی که دارد ان شاء
الله تعالی سیم آنست که سید رضی الله عنه در فتح الابواب ذکر کرده
است که از بدر بن یعقوب الاعجمی رضوان الله علیه در روضهٔ حضرات
کاظمین صلوات الله علیهما شنیدم که گفت مصحف را بر میداری و میگوئی
اللهم ان کان فی قضائک و قدرک ان تمن علی امة نبیک
بظهور ولیک و ابن بنت نبیک فعجل ذلک و سهله و
یسّره و کمّله و اخرج لی آیة استدل بها علی امر فأیتمر او
نهی فانتهی فی عافیة و اگر تواند حاجت خود را بگوید پس هفت ورق
بگرداند پس از روی دویم ورق هفتم هفت سطر بشمارد و در سطر هفتم
تفأل کند برای مطلب خود چهارم آنست که باز سید رحمه الله از شیخ
بدر مذکور روایت کرده است که بعد از خواندن دعای مذکور سه
مصحف را بگشاید و هفت ورق بگرداند و از صفحهٔ دویم ورق هفتم
و صفحهٔ اول ورق هشتم عدد جلاله آنچه باشد بشمارد پس از صفحهٔ دویم
ورق هشتم سطر بعدد جلاله بشمارد و در سطر آخر آنچه بر او ظاهر شود آخره
عمل کند پنجم باز سید رضی الله عنه از شیخ بدر مذکور رحمه الله روایت کرده است
که دعای سابق را بخواند و مصحف شریف را بگشاید و هشت ورق بعد
از آن بشمارد و از صفحهٔ اول ورق هشتم ده سطر بشمارد و سطر یازدهم تفأل کند

وسوره قل هو الله احد و آیة الکرسی و آیه وَعِندَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا
إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِن وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَ
لَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ
وسوره انا انزلناه و سوره قل یا ایها الکافرون و سوره قل اعوذ برب
الفلق و سوره قل اعوذ برب الناس پس هریک از اینها را سه مرتبه بخواند
پس متوجه شود بقرآن مجید و بگوید اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِالْقُرْآنِ
الْعَظِيمِ مِنْ فَاتِحَتِهِ إِلَى خَاتِمَتِهِ وَفِيهِ اسْمُكَ الْأَكْبَرُ وَكَلِمَاتُكَ التَّامَّاتُ
يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ وَيَا جَامِعَ كُلِّ فَوْتٍ وَيَا بَارِئَ النُّفُوسِ بَعْدَ
الْمَوْتِ يَا مَنْ لَا تَغْشَاهُ الظُّلُمَاتُ وَلَا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ أَسْأَلُكَ
أَنْ تُخَيِّرَ لِي بِمَا أَشْكَلَ عَلَيَّ بِهِ فَإِنَّكَ عَالِمٌ بِكُلِّ مَعْلُومٍ غَيْرُ مُعَلَّمٍ بِحَقِّ
مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدٍ الْبَاقِرِ
وَجَعْفَرٍ الصَّادِقِ وَمُوسَى الْكَاظِمِ وَعَلِيٍّ الرِّضَا وَمُحَمَّدٍ الْجَوَادِ وَ
عَلِيٍّ الْهَادِي وَالْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ وَالْخَلَفِ الْحُجَّةِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ پس مصحف را اندک بگشاید و جلالات صفحه راست را [illegible]
و بعد آن اوراق [illegible] پس بعد از آن از صفحه دست چپ بهمان عدد
سطر [illegible]

سطر بشمارد پس سطر آخر نظر کند که آن بمنزله وحی است در مطلبی که دارد انشاء
الله تعالی **سیم** آنست که سید رضی الله عنه در فتح الابواب ذکر کرده
است که از بدر بن یعقوب العجمی رضوان الله علیه در روضه حضرات
کاظمین صلوات الله علیهما شنیدم که گفت مصحف را بر میداری و میگویی
اَللّٰهُمَّ اِنْ کَانَ فِی قَضَائِکَ وَ قَدَرِکَ اَنْ تَمُنَّ عَلٰی اُمَّةِ نَبِیِّکَ
بِظُهُورِ وَلِیِّکَ وَ ابْنِ بِنْتِ نَبِیِّکَ فَعَجِّلْ ذٰلِکَ وَ سَهِّلْهُ وَ
یَسِّرْهُ وَ کَمِّلْهُ وَ اَخْرِجْ لِی آیَةً اَسْتَدِلُّ بِهَا عَلٰی اَمْرٍ فَأْتَمِرُ اَوْ
نَهْیٍ فَانْتَهِی فِی عَافِیَةٍ و اگر تواند حاجت خود را بگوید پس هفت ورق
بگرداند پس از روی دویم ورق هفتم هفت سطر بشمارد و در سطر هفتم
تفأل کند برای مطلب خود **چهارم** آنست که باز سید رحمه الله از شیخ
بزرگوار روایت کرده است که بعد از خواندن دعای که مذکور شد
مصحف را بگشاید و هفت ورق بگرداند و از صفحه دویم ورق هفتم
و صفحه اول ورق هشتم عدد جلاله آنچه باشد بشمارد پس از صفحه دویم آخره
ورق هشتم سطر بعدد جلاله بشمارد و در سطر آخر آنچه بر او ظاهر شود
عمل کند **پنجم باز سید رضی الله عنه** از شیخ بزرگوار رحمه الله روایت کرده است
که دعای سابق را بخواند و مصحف شریف را بگشاید و هشت ورق بعد
از آن بشمارد و از صفحه اول ورق هشتم ده سطر بشمارد و در سطر یازدهم تفأل کند

مؤلف گوید که اقسام طریق دویم استخاره مصحف هیچیک مستند بمعصوم نبود
خصوصاً قسم آخر که هیچ یک را بمعصومین علیهم السلام نسبت نداده اند
وچون در بعضی از این استخارات وارد شده است که بعد از نماز حضرت
جعفر علیه السلام بعمل آورند مناسبت که مختصری از کیفیت آن مذکور شود
بدانکه مشهورترین طریقه آن است که چهار رکعت بکند بدو سلام و در رکعت
اول بعد از فاتحه سوره اذا زلزلت و در دویم سوره عادیات و در سیم اذا
جاء نصر الله و در چهارم قل هو الله احد بخواند و در هر رکعت بعد از فراغ
از قرائت پانزده مرتبه بگوید سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ
وَاللهُ أَكْبَرُ پس در رکوع و سر برداشتن از آن و در سجود اول و سر برداشتن بعد از هم
و در سجده دویم و بعد از سر برداشتن در هر یک ده مرتبه این تسبیحات را بخواند
و اگر در سجده آخر بعد از تسبیحات این دعا را بخواند بهتر است سُبْحَانَ
مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ
مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ سُبْحَانَ
ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ
وَالْفَضْلِ سُبْحَانَ ذِي الْقُوَّةِ وَالطَّوْلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَ
اسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْلَى وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقًا وَ

عد

وَبَعْدَ لَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ پس حاجت خود را بطلبد و اگر
نتواند بگوید وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي و بعد از سلام نماز بگوید
يَا رَبِّ يَا رَبِّ بقدر آنکه نفس وفا کند و باز یا رَبّاه یا رَبّاه
همانقدر و باز یا رَبِّ یا رَبِّ همانقدر و باز یا اللّٰه یا اللّٰه
همانقدر و باز یا رَحیم یا رَحیم همانقدر پس هفت مرتبه
یا رَحمٰن یا رَحمٰن پس هفت مرتبه یا اَرحَمَ الرّاحِمین پس بگوید
اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَفْتَتِحُ الْقَوْلَ بِحَمْدِكَ وَأَنْطِقُ بِالثَّنَاءِ عَلَيْكَ وَ
أُمَجِّدُكَ وَلَا غَايَةَ لِمَجْدِكَ وَأُثْنِي عَلَيْكَ وَمَنْ يَبْلُغُ غَايَةَ — نز: لمدحك
ثَنَائِكَ وَأَمَدَ مَجْدِكَ وَأَنَّى لِخَلِيقَتِكَ كُنْهُ مَعْرِفَةِ مَجْدِكَ
وَأَيَّ زَمَنٍ لَمْ تَكُنْ مَحْمُودًا بِفَضْلِكَ مَوْصُوفًا بِمَجْدِكَ عَوَّادًا
عَلَى الْمُذْنِبِينَ بِحِلْمِكَ تَخَلَّفَ سُكَّانُ أَرْضِكَ عَنْ طَاعَتِكَ
فَكُنْتَ عَلَيْهِمْ عَطُوفًا بِجُودِكَ جَوَادًا بِفَضْلِكَ عَوَّادًا بِكَرَمِكَ
يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ و اگر آن سورها
را نداند هر سوره که بخواند خوبست و این دعا هم شرط نماز نیست بلکه از
جمله مکملات نماز اند و سایر آداب و ادعیه را در ربیع الاسابیع ذکر
کرده ایم و چون راوی آن استخاره و این دعا هر دو مفضل بن عمر است

[illegible]

دور نیست که دعایی که در حدیث استخاره وارد شده اشاره

باین دعا باشد لهذا این دعا را در اینجا اختیار کردیم مفتاح بجح

علامه حلی قدس الله روحه

سیم در بیان استخاره بتسبیح است

در کتاب منهاج الصلاح از پدر بزرگوار خود سدید الدین یوسف رحمه الله

روایت کرده است که او از سید جلیل رضی الدین محمد آوی روایت

کرده است و او از حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه روایت

کرده که چون در امری ~~خواهد استخاره~~ کسی خواهد استخاره کند سوره فاتحه

را ده مرتبه بخواند و سه مرتبه نیز الکفایه میتواند کرد پس ده مرتبه سوره انا

انزلناه را بخواند پس این دعا را سه مرتبه بخواند اللهم انی استخیرک

لعلمک بعواقب الامور واستشیرک لحسن ظنی بک فی المأمول

والمحذور اللهم ان کان الامر الفلانی مما قد نیطت بالبرکة اعجازه

وبوادیه وحفت بالکرامة ایامه ولیالیه فخر لی فیه خیرة ترد

شموسه ذلولا وتقعض ایامه سرورا اللهم اما امر فأئتمر واما

نهی فانتهی اللهم انی استخیرک برحمتک خیرة فی عافیة

پس قصد میکند که اگر این امر را بمن خوبست طاق می آید و اگر بد است

جفت می آید یا برعکس پس قطعه از تسبیح را میگیرد و میشمارد تا معلوم شود

که طاق است یا جفت است و سید قدس سره در فتح الابواب

کرده

و یکمرتبه

گفته است که یافتم بخط برادر صالح پسندیده محمد بن محمد حسینی آوی خدا سعادتش
را مضاعف گرداند و مشرف گرداند خاتمه او را که روایت رسیده است از
حضرت صادق صلوات الله علیه که هر که خواهد طلب خیر خود از خدا بکند پس
سوره حمد و انا انزلناه را هر یک ده مرتبه بخواند پس سه مرتبه این دعا را
بخواند و آن دعای سابق را ذکر کرده است پس گفته است که کفی از سنگریزه
یا تسبیح بگیرد و سید گفته است که مراد آنست که قصد کند که اگر طاق باشد
بکن و اگر جفت باشد مکن پس باز سید گفته است که بعضی از اصحاب ما
حدیث مرسلی نقل کرده است در صفت قرعه بتسبیح که سوره حمد را یکمرتبه
و سوره انا انزلناه را یازده مرتبه بخواند پس آن دعا که گذشت بخواند
و رفیقی بهم رساند و خود کردن را و او نکردن را یا بر عکس بخاطر بگذراند پس
دو رقعه بنویسند یکی باسم خود و دیگری باسم رفیقش و در جایی بگذارد دو
دست کند و بر آورد اسم هر یک که بر آید بخاطر گرفته او عمل کند
که عبارت سید اجمالی دارد و نقل از عبارت او چنین مفهوم والله یعلم و ظاهر
ظاهر روایات آنست که از سنگریزه چند یا دانه تسبیحی چند دست کند و مشتی
بردارد و بشمارد نه بروشی که متعارفست و بعضی از مشایخ ما رضوان
الله علیهم تسبیح منظوم را در میان کف میگرفتند و دانهها که در میان
کف واقع میشد میشمردند تا که طاقست یا جفت و این نوع نیز با روایات

فی الجمله انطباقی دارد اما آنچه درست بدست است از اکثر مشایخ دیده و شنیده‌ایم
همان روش متعارفست که با انگشت میان تسبیح را بگیرند و اگر حمد و
انا انزلناه و آن دعا را یا یکی از آن عددها که در روایات مذکور شده
بخواند و نیت کند و تسبیح را بگیرد و دو تا دو تا بشمارد و اگر یک ماند
عمل کند و اگر دو ماند ترک کند ظاهرا بد باشد و والد مرحوم فقیر از شیخ عظیم
الشان شیخ بهاء الدین محمد علیهما الرحمة والرضوان نقل میفرمود که یاد است
بهست از مشایخ خود شنیده‌ایم که از حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه
روایت میکردند در طریق استخاره تسبیح که سه مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد
بفرستند و تسبیح را بگیرند و دو تا دو تا بشمارند اگر طاق ماند خوبست
و اگر جفت ماند بد است و والد مبرور رحمه الله باین روش اکثر اوقات
در اموری که در آن استعجالی بود استخاره میکردند و طریق دیگر در میان عوام
شهرت دارد که سه تا سه تا بشمارند اگر یک ماند خوبست و دو وسط

مفتاح ششم

و سه بد است و این طریق در کتابی ~~بنظر فقیر رسیده است~~
استخاره برقاع است و سید ابن طاوس و اکثر متاخرین علما رحمة الله علیهم
این نوع را بهترین استخارات میدانند و در کتاب احتجاج منقول است که
حمیری عریضه نوشت بخدمت حضرت صاحب علیه السلام و پرسید که اگر
کسی در امری مردد شود میان کردن و نکردن و دو انگشتر بگیرد و در یکی بنویسد
کن

[illegible]

بکن و بره دیگری عمل مکن پس هر دو را پنهان کند و چندین مرتبه طلب خیر جود از حق
تعالی بکند پس یکی از آنهارا بیرون آورد و بآن عمل کند آیا حکم استخاره
دارد حضرت در جواب نوشتند که آنچه عالم اهل بیت علیهم السلام
در باب استخاره مقرر فرموده نماز کردن و رقعها نوشتن است بعضی چنان
باید کرد و آنچه ~~مشهورتر است در این استخاره~~ مولف گوید که این نوع از
استخاره بچند طریق وارد شده اول آنست که کلینی و شیخ طوسی و سید و دیگران — رضوان الله علیهم
به سندهای معتبر از هرون بن خارجه روایت کرده اند که حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه فرمود که هرگاه امری را اراده کنی شش رقعه
کاغذ بگیر و در سه تای آنها بنویس بسم الله الرحمن الرحیم خیرة
من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلانة افعله و در سه رقعه دیگر بنویس
بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلانة
لا تفعل پس آن رقعهارا در زیر مصلای خود بگذار و دو رکعت نماز بکن
و چون فارغ شوی برو بسجده و صد مرتبه بگو استخیر الله برحمته خیرة
فی عافیة پس درست بنشین و بگو اللهم خر لی و اختر لی فی جمیع اموری
فی یسر منک و عافیة پس دست بزن و رقعهارا بشور کن بعضی بکدیگر
مخلوط گردان و یک یک از آنهارا بیرون آور و ملاحظه کن اگر سه افعل پیاپی برآید
پس بکن آن کار را که اراده کرده و اگر سه لا تفعل پیاپی بیرون آید پس مکن

آن کار را و اگر بعضی افعل و بعضی لا تفعل بر آید تا پنج رقعه بیرون آورد اگر افعل
بیشتر است عمل کن و اگر لا تفعل بیشتر است ترک کن و احتیاج نیست به بیرون
آوردن رقعه ششم مولف گوید که غسل در این روایت وارد نشده است
و بعضی از علما در این استخاره ذکر کرده اند باعتبار اینکه در استخاره مطلقه که
در محل خود ذکر کردیم واقع شده است و شاید بد نباشد و ورود غسل
در نمازهای حاجت نیز شاید مؤید تواند شد و اگر قصد زیارت ائمه
علیهم السلام نیز در آن غسل بکنند شاید احوط باشد و ایضا تعیین سوره
در این نماز وارد نشده است و بعضی سوره حشر و سوره رحمن را ذکر کرده
اند باعتبار آنکه در نوع دیگر استخاره وارد شده است و شاید بد نباشد
و اگر در هر رکعت سه مرتبه قل هو الله بخوانند چنانچه بعد از این مذکور میشود
ایضا بد نیست و ظاهرا هر سوره که بخوانند خوبست و آنچه در روایت
واقع شده است که اگر در هم در آید افعل و لا تفعل باید پنج تا بیرون
آورند اشکالی دارد زیرا که در بعضی از صور احتیاج نمیشود به بیرون
آوردن پنجم مثل آنکه اول یک لا تفعل در آید و بعد از آن سه افعل یا
بر عکس یا آنکه دو افعل بر آید و یک لا تفعل و یک افعل یا بر عکس و در نیت
که مراد آن باشد که احتیاج به بیرون آوردن ششم اگر نمیشود گو احتیاج
به پنجم نیز در بعضی از شقوق نشود و احتمال دارد که در همه صور پنجم را باید بیرون
آورد

بپنجم هم

آورد نقبه اگر فایده اش بر ما معلوم نباشد اما بعید است و ایضا باید دانست که آید هم
اگر مختلف بیرون آید و یکی بیشتر باشد از حدیث تفاوتی در خوبی و بدی ظاهر نمیشود در بیان صور آن هم
و بعضی از علما باعتبار رعایت زود بیرون آمدن هر یک یا توالی آنها تفاوت
در مراتب خوبی و بدی قرار داده اند مثل آنکه اگر سه افعل در چهار رقعه بیرون
آید بهتر است از آنکه در پنج رقعه بیرون آید و همچنین لا تفعل در بدی و اگر دو
افعل باید پیاپی و یک لا تفعل یک افعل بهتر است از آنکه اول لا تفعل بیرون
آید و بعد از آن سه افعل و براین قیاس سایر شقوق نیکی و بدی معلوم میشود
دویم آنست که سید رضی الله عنه از طریق عامه از ابن مسعود روایت
کرده است که او در استخاره این دعا میخواند اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ تَعْلَمُ وَ
لَا اَعْلَمُ وَ تَقْدِرُ وَلَا اَقْدِرُ وَاَنْتَ عَلَّامُ الْغُیُوبِ اَللّٰهُمَّ اِنَّ عِلْمَکَ
قدّه بِمَا یَکُونُ کَعِلْمِکَ بِمَا کَانَ اَللّٰهُمَّ اِنِّی عَزَمْتُ عَلٰی کَذَا وَکَذَا فَاِنْ کَانَ
لِی فِیهِ خِیَرَةٌ لِلدِّینِ وَالدُّنْیَا وَالْعَاجِلِ وَالْآجِلِ فَیَسِّرْهُ وَسَهِّلْهُ
وَوَفِّقْنِی لَهُ اَوْ وَفِّقْهُ لِی وَاِنْ کَانَ غَیْرَ ذٰلِکَ فَامْنَعْنِی مِنْهُ کَیْفَ
شِئْتَ پس سجده میرفت و صد و یک مرتبه میگفت اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْتَخِیرُکَ
بِرَحْمَتِکَ خِیَرَةً فِی عَافِیَةٍ پس در سه رقعه مینوشت خِیَرَةٌ مِنَ اللّٰهِ
الْعَزِیزِ الْحَکِیمِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ اِفْعَلْ عَلٰی اسْمِ اللّٰهِ وَعَوْنِهِ و در سه رقعه دیگر

بنویسد خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلان لا تفعل و الخیرة
فیما یقضی الله و در زیر سجاده میگذاشت و چون از نماز و دعا فارغ
میشد یک یک از آنها را بیرون می آورد و هر یک که بیشتر بیرون می آمد
بآن عمل میکرد مؤلف گوید که بجای علی کذا و کذا حاجت خود را بعربی
میگوید و اگر نتواند بگوید علی الامر الذی عَلِمتَ و بجای فلان بن فلان
اسم خود و پدرش را می نویسد چنانچه در همه رقعها و این روایات اگرچه از
طریق اهل سنت است اما مؤید روایت اولست و عمل بروایت اول که
از طریق شیعه است اولی است و اگر این دعا را نیز بخواند بد نیست
سیم آنست که باز سید رحمه الله از طرق مخالفان نقل کرده است از
جابر بن عبد الله انصاری که از اکابر صحابه است گفت که حضرت رسول
خدا صلی الله علیه و آله ما را تعلیم میکرد استخاره در امور را چنانچه تعلیم مینمود
ما سورهای قرآن را و میفرمود که هر گاه احدی از شما اراده کاری
بکند دو رکعت نماز بکند غیر نمازهای واجب پس بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْتَخِیرُکَ
بِعِلْمِکَ وَ اَسْتَقْدِرُکَ بِقُدْرَتِکَ وَ اَسْئَلُکَ مِنْ فَضْلِکَ الْعَظِیمِ
فَاِنَّکَ تَقْدِرُ وَ لَا اَقْدِرُ وَ تَعْلَمُ وَ لَا اَعْلَمُ وَ اَنْتَ عَلَّامُ الْغُیُوبِ
اَللّٰهُمَّ اِنْ کُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّ هٰذَا الْاَمْرَ خَیْرٌ لِی فِی دِینِی وَ دُنْیَایَ

نسخه: في عاجل أمري وآجله

وعاقبة أمري فاقدره لي ويسّره لي ثم بارك لي فيه وإن كنت
تعلم أن هذا الأمر شرٌّ لي في ديني ومعاشي وعاقبة أمري
فاصرفه عني واصرفني عنه واقدر لي الخير حيث كان ثم
رضّني به پس سید گفته است که بعضی از مشایخ ما رحمهم الله گفته است که
چون این نماز را بکند و این دعا را بخواند شش رقعه از کاغذ قطع کند
و در سه تا افعل بنویسد و در سه تا لا تفعل بنویسد و بیکدیگر مخلوط گرداند
و در میان آستین خود بگذارد پس سه تا را یکی یکی بدر آورد اگر هر سه افعل
باشد آن کار را بکند با طیب خاطر و اگر دو تا افعل باشد و یکی لا تفعل
باکی نیست که آن را بکند اما پست‌تر است از شق اول و اگر هر سه لا تفعل
باشد نکند و اگر دو تا لا تفعل باشد حذر کردن اولی است و اکثر حکم کل دارد
مترجم گوید که از فحوای اصل حدیث ظاهر میشود که این نماز و دعا برای
مطلق طلب خیر است بدون آنکه عملی با آن باشد و آن عملی که از
بعض مشایخ نقل کرده است جزو آن نیست و در روایات دیگر نیز بکلام
پس اولی و بهتر آنست که بهر دو عمل آورند و اگر خواهند این دعا را نیز بخوانند
چهارم آنست که باز سید قدس سره در فتح الابواب گفته است که بمن
رسیده است از بعضی علما در کیفیت استخاره‌ها که در سه رقعه بنویسد بسم الله
الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم افعل و در سه رقعه دیگر بنویسد

نسخه: وآجله في عاجل أمري

سیده

بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لا تفعل و رقعها را در زیر
سجاده بگذارد و دو رکعت نماز بکن و در هر رکعت بعد از سوره فاتحة الکتاب
سه مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان پس سلام بگو و بگو اللهم انی استخیرک
بعلمک تا آخر دعا که مذکور شد پس بسجده برو و صد مرتبه بگو استخیر الله
العظیم پس سر از سجده بردار و پنج رقعه را بیرون آور اگر افعل سه تا
باشد بکن که صلاح تو در آنست و اگر لا تفعل سه تا باشد مکن که خیر تو
در نکردن است ان شاء الله پنجم آنست که باز سید رضی الله عنه از شیخ ابو
الفتح کراجکی رحمة الله علیه نقل کرده است و او بسند خود از هرون بن حماد
روایت کرده است که حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر گاه امری را
اراده کنی شش رقعه بگیر و در سه رقعه بنویس بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من
الله العزیز الحکیم و بروایت دیگر العلی الکریم لفلان بن فلان افعل کذا ان شاء الله تعالی
و نام خود را و پدر خود را و آن کاری که میخواهی بکنی بنویس و در سه رقعه دیگر
بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلان لا تفعل کذا ان شاء الله
و چهار رکعت نماز بکنی و در هر رکعت پنجاه مرتبه قل هو الله احد و سه مرتبه سوره سوره ص
انا انزلناه فی لیلة القدر بخوانی یعنی بعد از سوره حمد و رقعها را در زیر سجاده خود
میگذاری یکبار پس این دعا را بخوان بقدرتک تعلم و لا اعلم و تقدر و لا
اقدر و انت علام الغیوب اللهم بک فلا شیء اعظم منک صل
علی آدم صفوتک و محمد خیرتک و اهل بیته الطاهرین و من

مهم

بینهم من نبی وصدیق وشهید وعبد صالح وولی مخلص وملائکتک
اجمعین وان کان ما عزمت علیه من الدخول فی سفری الی بلد
کذا وکذا خیرة لی فی البدو والعاقبة ورزق تیسر لی منه فسهله
ولا تعسره وخر لی فیه وان کان غیره فاصرفه عنی وبدلنی منه
بما هو خیر منه برحمتک یا ارحم الراحمین پس هفتاد مرتبه هم بگوید
خیرة من الله العلی الکریم پس سجده برود و رو را بر خاک بگذارد و حاجت
خود را از خدا طلب و در روایت دیگر وارد شده است که بعد از آن رقعها
را بیرون آورد بنحوی که در روایت اول مذکور شد مؤلف گوید که این دعا
در خصوص اراده سفر است و اگر اراده امر دیگر داشته باشد باید که بجای
من الدخول فی سفری الی بلد کذا وکذا آن حاجت را ذکر کند و اگر اراده
سفر باشد بجای الی بلد کذا وکذا آن سفر و آن شهری را که اراده دارد ذکر
کند و بر هر تقدیر عمل بروایت اول بهتر است و اگر خواهد این دعا را نیز اضافه
کند و بدانکه سید ابن طاوس رضی الله عنه چون این استخاره را بهترین استخارات
میداند و مدارش بر عمل بر این استخاره بوده است چند امر غریب از تجربه این
استخاره نقل کرده است اول آنکه بعضی از ارباب مناصب نیز مرا طلبید
و من در جانب غربی بغداد بودم و بیست و دو روز در آنجا ماندم و هر روز استخاره
کردم که او را ملاقات کنم و همه استخارها یا شش لا تفعل متوالی آمد یا در چهار
رقعه سه لا تفعل آمد و ظاهر شد که خیر من در آن نبوده است و چنین اتفاقی نمی باشد
ندیده ام

مگر از جانب خداوندی که عالم الخفیات است **دویم** آنکه در ایامی که در دار السلام
بغداد اقامت داشتم وارد شهر حله شدم و بعضی از اقارب من تکلیف نمودند مرا
که بدیدن یکی از حکام حله بروم و چنان اتفاق افتاد که یکماه در حله ماندم
و هر روز که اراده ملاقات او میکردم در اول آن روز و آخر آن روز استخاره
میکردم برای دیدن او و در همه استخارات لا تفعل می آمد تا آنکه پنجاه
استخاره در عرض آن مدت کردم و در همه لا تفعل بیرون آمد و معلوم شد
که خیر من در آن بوده و عقل باور نمیکند از آنکه پنجاه استخاره کسی برای امری
یک مطلب بکند و بر سبیل اتفاق بدون اراده تا در علی الاطلاق همه بد
بیاید **سیم** آنکه تا حالت تحریر این رساله پنجاه و سه سال از عمر من گذشته
است و تا حقیقت استخاره بر من ظاهر شده است پیوسته در امور خود
استخاره کرده ام و در همه آنها خیر خود را در آن یافته ام که استخاره مرا بآن
دلالت کرده است و همیشه سعادت دنیا و عقبای خود را در آن یافته ام
مؤلف گوید که فقیر نیز در انواع استخارات تجربهای بسیار کرده ام و از جمعی از
برادران و صلحای خویشان و آشنایان و غیرهم خود امور غریبه در این باب
شنیده ام خصوصا این استخاره و استخاره بمصحف مجید والله الموفق **مفتاح**
هفتم در بیان استخاره برقاع است بر خلاف طریق مشهور و آن
چند قسم است **اول** شیخ طبرسی رحمه الله علیه در مکارم الاخلاق از
عبد الرحمن بن سیابه روایت کرده است که در سالی رفتم بمکه معظمه

وباخود

و با خود متاعی برده بودم و آن متاع در آن سال کساد بود و کسی بهمن رسید که نخرد
بعضی از اصحاب ما گفتند که متاع را بمصر بفرست و بکوفه بر مگردان و بعضی گفتند
که بیمن بفرست پس رفتم بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام بعد از
آنکه از منی بمکه مراجعت کرده بودیم و احوال خود را عرض کردم و پرسیدم تا
که شما چه میفرمایید حضرت فرمود که قرعه بزن میان مصر و یمن و تفویض
کن امر خود را بخدا و اسم هر شهر که بیرون آید متاع خود را بآنجا بفرست
گفتم فدای تو شوم چگونه قرعه بزنم فرمود که در یک رقعه بنویس بسم الله
انه لا اله الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اللّٰهُمَّ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ اَنْتَ
فاعمل به الْعَالِمُ وَ اَنَا الْمُتَعَلِّمُ فَانْظُرْ لِي فِي اَيِّ الْاَمْرَيْنِ خَيْرٌ لِي حَتَّى اَتَوَكَّلَ
عَلَيْكَ فِيهِ وَ اَعْمَلَ بِهِ پس بنویس مصر ان شاء الله پس در رقعه دیگر همان
دعا را بنویس پس بنویس الیمن ان شاء الله پس در رقعه سیم باز همان دعا
را بنویس و بعد از آن بنویس يُحْبَسُ الْمَتَاعُ وَ لَا يُبْعَثُ اِلَى بَلَدٍ مِنْهُمَا
یعنی حبس کن متاع را و بهیچیک از آن دو شهر نفرستم پس رقعها را جمع کن
و بیکی از برادران مؤمن خود بده که در جای پنهان کند از تو پس دست خود را
در آنجا داخل کن و هر یک از آن رقعها که بدستت می آید بیرون بیاور و بر خدا
11 توکل کن و بآنچه در آن رقعه هست عمل کن که ان شاء الله خیر تو در آنست
و سید نیز این عمل را بسند حسن معتبر از عبد الرحمن روایت کرده است

نست

مترجم گوید که این عمل خوبیست و اعتبار سندش کمتر از ذات الرقاع مشهور
و میتواند بود که عمومات احادیث قرعه شامل این بوده باشد زیرا که
احادیث بسیار وارد شده است که در هر امر مشکلی قرعه باید انداخت
و وارد شده است که هر قومی که امر خود را بخدا تفویض کنند البته سهم حق
بیرون می آید خصوصا در امری که راه ها در آن مختلف شده باشد دویم
سید رضی الله عنه از حضرت باقر یا صادق صلوات الله علیهما روایت
کرده است که کسی که خواهد استخاره بمساهمه بکند یعنی بقرعه در سه رقعه
این دعا را بنویسد اللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوَاتِ وَ الْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَ
الشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنَ الرَّحِيمَ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ
أَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُخْرِجَ
لِي خِيَرَةً فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ عَاقِبَةِ أَمْرِي وَ عَاجِلِهِ وَ آجِلِهِ إِنَّكَ خير الشهين [margin: نل]
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مَا شَاءَ اللّٰهُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ پس مطلب خود را در دو رقعه بنویسد اگر دو شق باشد
و اگر نه یکی را کردن و یکی را نکردن بنویسد و در سیم بنویسد غفل پس دست
کند و یکی را بیرون آورد اگر یکی از آن دو رقعه بیرون آید بآن عمل کند و
اگر غفل بیرون آید آنرا بیندازد و دیگری را بیرون آورد و بآن عمل
کند مفتاح هشتم در بیان استخاره ببنادق است سید رضی الله عنه

[illegible]

در

در فتح الابواب و ابن تلعکبری رحمهما در مجموع الدعوات روایت کرده اند از
احمد بن محمد بن یحیی که گفت بعضی از دوستان ما اراده کرد که از برای تجارت بیرون
رود پس گفت بیرون نمیروم تا بروم بخدمت حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه و بر او سلام کنم و در کار خود از او مشورت کنم و التماس
دعا از آنحضرت بکنم پس بخدمت آنجناب رفت و عرض کرد که من اراده دارم
که برای تجارت بیرون بروم و سوگند یاد کرده ام که بیرون نروم تا بخدمت شما
برسم و با شما مشورت کنم و طلب دعا از خدمت شما بکنم حضرت برای او دعا
کردند و فرمودند که بر تو باد براستگویی و عیب متاع خود را در تجارت پنهان
مکن و کسی ~~را که وعده و کسی~~ را که امیدوار احسان خود کرده باشی مغبون مگردان
که آن در بدی مانند سود گرفتن است و از برای مردم مپسند مگر چیزی را
که برای خود میپسندی و حق بده و حق بگیر و مترس و اندوهناک مباش از
کمی روزی بدرستی که تاجر راستگو با ملائکه نیکوکار گرامی نزد پروردگار
در قیامت محشور میشود و اجتناب کن از سوگند یاد کردن در خرید و
فروش زیرا که سوگند دروغ صاحبش را به آتش جهنم میبرد و هر تاجر بدکردار
و فاجر است مگر آنکه زیاد از حق خود نگیرد و حق مردم را تمام بدهد و هرگاه
عزم کنی بر سفری یا حاجت ضروری که اهتمام بشان آن داشته باشی دعا بسیار
بکن و استخاره بکن بدرستی که خبر داد مرا پدرم از پدرش از جدش که حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله استخاره را باصحاب خود تعلیم میکرد چنانچه

سوره قرآن را و ما استخاره را بعمل می آوریم هر وقت که اراده کنیم امری را
و دفعه چند برای استخاره میگیریم و موافق آنچه بیرون می آید عمل میکنیم خواه
موافق خواهش ما باشد و خواه نباشد پس آن مرد گفت ای مولای من
آن استخاره را بمن تعلیم نما که چگونه عمل آورم فرمود که چون اراده استخاره
نمایی وضوی کامل بساز نما یعنی با آداب و ادعیه مستحبه و دو رکعت نماز بکن
و در هر رکعت سوره حمد و صد مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان و بعد از سلام نماز
دستهای خود را بدعا بردار و بگو یا کاشف الکرب و مفرج الهم و مذهب
الغم و مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها یا من یفزع الخلق الیه فی حوائجهم
و مهماتهم و امورهم و یتکلون علیه امرت بالدعاء و ضمنت الاجابة یتوکلون ظ
اللهم فصل علی محمد و آل محمد و ابدأ بهم فی کل امری و افرج همی امری ظ
و نفس کربی و اذهب غمی و اکشف لی عن الامر الذی قد التبس
علی و خر لی فی جمیع اموری خیرة فی عافیة فانی استخیرک اللهم
بعلمک و استقدرک بقدرتک و اسئلک من فضلک
و الجأ الیک فی کل اموری و ابرأ من الحول و القوة الا بک
و اتوکل علیک و انت حسبی و نعم الوکیل اللهم فافتح لی ابواب
رزقک و سهلها لی و یسر لی جمیع اموری فانک تقدر و لا اقدر
و تعلم و لا اعلم و انت علام الغیوب اللهم ان کنت تعلم ان
الامر الذی عزمت علیه و اردته هو خیر لی فی دینی و دنیای

و

ومعاشي ومعادي وعاقبة اموري فقدره لي وعجله علي وسهله
ويسره وبارك لي فيه وان كنت تعلم انه غير نافع لي في العاجل
والآجل بل هو شر علي فاصرفه عني كيف شئت واني شئت — واصرفني عنه
وقدر لي الخير حيث كان واين كان ورضني يا رب بقضائك
وبارك لي في قدرك حتى لا احب تعجيل ما اخرت ولا تاخير
ما عجلت انك على كل شيء قدير وهو عليك يسير پس بسیار صلوات
فرست بر محمد و آل محمد و باید که رقعه با خود داشته باشی هم بیک مقدار
و یک هیئت و در دو رقعه این دعا را بنویس اللهم فاطر السموات
والارض عالم الغيب والشهادة انت تحكم بين عبادك فيما كانوا
فيه يختلفون اللهم انك تعلم ولا اعلم وتقدر ولا اقدر وتمضي
ولا امضي وانت علام الغيوب صل على محمد وآل محمد واخرج
لي احب السهمين اليك وخيرهما لي في ديني ودنياي وعاقبة
امري انك على كل شيء قدير وهو عليك يسير و در یکی
از دو رقعه افعل بنویس و در دیگری لا تفعل و در رقعه سیم این را
بنویس لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم استعنت بالله
وتوكلت عليه وهو حسبي ونعم الوكيل توكلت في جميع اموري على الله

وتقضي ولا اقضي صح

الحیّ الذی لا یموت واعتصمت بذی العزّة والجبروت وتحصّنت
بذی الحول والطول والملکوت وسلام علی المرسلین والحمد لله
رب العالمین وصلی الله علی محمد النبی وآله الطاهرین و بعد این
رقعه را شنیده بگذار و چیزی بر آن منویس و هر سه رقعه محکم بپیچ تا
یک هیئت و یکصورت و در میان سه بندقه بگذار را از موم یا از گل
بر یکهیئت و یکوزن و بده بکسی که اعتقاد بر او داشته باشی از برادران مؤمن
و بگو که خدا را یاد کند و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و آن بندقها را
در میان آستین خود بنهد از دو دست راست خود را در میان آستین
خود داخل کند و آن بندقها را حرکت دهد و یکی از آنها را در آورد بدون
آنکه آنها را نظر کند و یکی را بخصوص تعیین کند و لیکن دستش بر هر یک از آنها
که واقع شود بیرون آورد و چون بیرون آورد تو از او بگیر و خدا را
یاد کن و آنرا بگشا و پشتش را بخوان و عمل کن با آنچه در پشت آن نوشته
شده است و اگر کسی که بر او اعتقاد داشته باشی حاضر نباشد خود در میان
میان آستین بنه از و آنچه مذکور شد بعمل آور پس اگر آنچه افعل
بر آن نوشته شده است بیرون آید البته آن کار را بکن که خیر تو در آن
است انشاء الله و اگر آنچه بر آن لا تفعل نوشته شده است بیرون
آید زنهار آن فعل را بجا میاور و البته مخالفت این استخاره مکن که آزار
مکن

آن فعل را

میکنی و اگر رقعه بیرون آید که چیزی بر پشتش نوشته نشده است پس توقف
کن تا وقت نماز فریضه حاضر شود پس برخیز و دو رکعت نماز چنانچه مذکور شد بکن
پس نماز واجب را بکن یا آن دو رکعت را بعد از نماز واجب بکن اگر نماز
صبح و عصر نباشد ~~دیگر~~ و اگر نماز صبح باشد باید که بعد از آن تعقیب و دعا بخوانی
تا آفتاب پهن شود پس بعد از آن آن دو رکعت را بجا آوری و اگر نماز
عصر باشد آن دو رکعت را پیش از نماز عصر بکن و بعد از نماز عصر آن دعاها
را بخوان و بار دیگر این عمل را اعاده کن و اگر باز رقعه نانوشته بیرون آید
باز در وقت فریضه دیگر همان عمل را اعاده کن تا یکی از رقعهای نوشته بیرون
آید مولف گوید که ~~احتمال دارد که~~ ظاهر روایت آنست که نوشتن رقعها
و پیچیدن و در میان بندقه گذاشتن همه بعد از نماز و خواندن دعا باشد
و بریدن رقعها پیش باشد و احتمال دارد که تا بندقه کردن قبل از نماز
باشد و دور نیست که اول اولی باشد دویم آنست که کلینی و شیخ
و سید رضی الله عنهم و دیگران بسند مرسل از یکی از ائمه صلوات الله علیهم
روایت کرده اند که شخصی از اصحاب آنحضرت پرسید که امری را میخواهم
بعمل آورم و کسی را نمییابم که با او مشورت کنم چکنم حضرت فرمود که با پروردگار
خود مشورت کن پرسید که چگونه مشورت کنم فرمود که آن حاجت را در خاطر
خود قصد کن و دو رقعه بگیر و در یکی لا بنویس و در دیگری نعم و هر یک را در میان

بندقه از گل بگذار پس دو رکعت نماز بکن و آن دو بندقه را در زیر دامن

خود بگذار و بگو یا اللّٰه إنّی أستشیرک فی أمری هذا و أنت

خیر مستشار و مشیر فأشر علیّ بما فیه صلاح و حسن عاقبة

پس دست خود را در زیر دامن داخل کن و یکی از آن دو بندقه را بیرون

آور و بکشا اگر نعم باشد بکن و اگر لا باشد مکن با خدا چنین مشورت باید

کرد سیم آنست که سید رضی الله عنه فرموده که در بعضی از کتب شیعه یافتم

که در دو رقعه بنویسی بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لعبده

فلان بن فلان و حاجت خود را بنویسی و در آخرش بنویسی أفعل یا

مولای و در دیگری را در آخرش بنویسی که أتوقف یا مولای و هر یک از

دو رقعه را در میان گلوله از گل میگذاری و بر آن میخوانی هر یک از سوره حمد و سوره

قل أعوذ برب الفلق و سوره و الضحی را هفت مرتبه و ظرف آبی در پیش

خود میگذاری و بندقها را در میان آب می اندازی پس هر یک که زودتر

از دیگری شکافته شود و بر روی آب آید بآن عمل میکنی ان شاء الله تعالی

چهارم آنست که باز سید قدس سره روح ذکر کرده است که یافتم بخط

علی بن یحیی خیاط که نوشته بود که این استخاره مولای ما امیر المؤمنین علی

بن ابی طالب صلوات الله علیه است در خاطر میگذرانی هر مطلبی که داری

و این استخاره را مینویسی در دو رقعه و دو بندقه از گل میسازی و بر از

یکی را

مستحبی ... بأفعل ... و در یکی مینویسی لا تفعل ... در انگشت دیگری

۳۴

میسنجی که باهم برابر باشند و هر رقعه را در میان بندقه میگذاری و در میان
آب می اندازی و هر یک که پیشتر بر روی آب بر آید بآن عمل میکنی و البته
مخالفت نکنی و دعائی که در رقعها باید نوشت اینست ما شاء الله کان
اللّهمّ انّی استخیرک خیار من فوّض الیک امره واسلم الیک
نفسه واستسلم الیک فی امره وخلا لک وجهه وتوکّل علیک
فیما نزل به اللّهمّ خر لی ولا تخر علیّ وکن لی ولا تکن علیّ وانصرنی
ولا تنصر علیّ واعنّی ولا تعن علیّ وامکنّی ولا تمکّن منّی واهدنی الی
الخیر ولا تضلّنی وارضنی بقضائک وبارک لی فی قدرک انّک
تفعل ما تشاء وتحکم ما ترید وانت علی کلّ شیء قدیر اللّهمّ ان
کانت الخیرة فی امری هذا فی دینی ودنیای وعاقبة امری فسهّله
لی وان کان غیر ذلک فاصرفه عنّی یا ارحم الرّاحمین انّک
علی کلّ شیء قدیر پنجم آنست که الضاسیه رحمة الله علیه روایت کرده
است از حضرت صاحب الزمان علیه صلوات الرحمن و مسمی است
باستخاره مصریه و کیفیتش آنست که در دو رقعه بنویسد خیرة من الله
و رسوله لفلان بن فلانه و نام خود و مادرش را بنویسد و در یکی افعل و
در دیگری لا تفعل بنویسد و در میان دو بندقه از گل بگذارد و در میان
قدح آبی هر دو را بیندازد پس وضو بسازد و دو رکعت نماز بکند و بعد از نماز

این دعا را بخواند اللهم انی استخیرک خیار من فوض الیک امره و
اسلم الیک نفسه و توکل علیک فی امره و استسلم بک فیما نزل به
من امره اللهم خر لی و لا تخر علی و اعنی و لا تعن علی و مکنی و
لا تمکن منی و اهدنی للخیر و لا تضلنی و ارضنی بقضائک و بارک
لی فی قدرک انک تفعل ما تشاء و تعطی ما ترید اللهم ان
کانت الخیرة لی فی امری هذا و هو کذا و کذا و بجای کذا و کذا مطلب خود را بگوید
بخصوصه فمکنی منه و اقدرنی علیه و امرنی بفعله و اوضح لی طریق
الهدایة الیه و ان کان اللهم غیر ذلک فاصرفه عنی الی الذی
هو خیر لی منه فانک تقدر و لا اقدر و تعلم و لا اعلم و انت
علام الغیوب یا ارحم الراحمین پس بسجده رود و صد مرتبه بگوید
استخیر الله خیرة فی عافیة پس گره را دور انتظار بکند تا یکی از آن رقعها
از آب بیرون آید هر یک که پیشتر بیرون آید بآن عمل کند یعنی اگر افعل بیرون
آید آن کار را بکند و اگر لا تفعل بیرون آید نکند ششم باز سید رحمه الله
از شیخ ابو الفتح کراجکی که از اکابر علمای شیعه است روایت کرده است
که دو رقعه بنویس در یکی افعل یعنی بکن و در دیگری لا تفعل یعنی مکن و از
+ دیده خود پنهان کن در موضعی و نماز استخاره بکن و خیر خود را از عالم
الخفیات طلب کن و یکی از آنها را بیرون آور و بآن عمل کن ۵

لم ج

مترجم کرده که این نوع از استخاره نیز از استخارهای معتبر است و بطرق بسیار
وارد شده است و هر یک از آنها دور نیست که عمومات قرعه نیز شامل این
طریق بوده باشد و هر یک از طرق استخاره که مذکور شد عمل به آن کردن خوبست
خصوصا طریق اول و اگر بعضی از دعاهای طرق دیگر را نیز با آن ضم کنند بد نیست

خاتمه در بیان بعضی از امور نادره است و در آن چند فائده است **اول**
بخط شیخ سعید شهید محمد بن مکی حشره الله تعالی مع الشهداء الاولین دیدم که هرگاه
شخصی در چاره امری متحیر باشد و نداند چه باید کرد عمل کند باین خبر که در کتاب
محمد بن جریر طبری که مسماست بکتاب الآداب الحمیده دیدم که روح بن الحرث
از پدرش از جدش روایت کرده است که فرزندان خود را وصیت کرد و گفت احدی ازهم
هرگاه امر عظیمی شما را رو دهد یا حادثه باعث غم شما گردد باید که با وضو
بخوابد در فراش و لحاف طاهری و تنها بخوابد و پهلوی زنی نخوابد و در وقت
خوابیدن سوره والشمس و سوره واللیل هر یک را هفت مرتبه بخواند پس بگوید
اللّهمّ اجعل لي من امري هذا فرجاً و بخوابد پس شخصی بخواب او می آید
در شب اول یا سیم یا پنجم و گمان دارم که هفتم را نیز گفت و باو میگوید که فرج
از این غم و دلگیری و الم در چه چیز است الحسن که راوی حدیث است گفت مرا دردی
عارض شد و علاجش را ندانستم پس این عمل را بجا آوردم و چون بخواب
رفتم دیدم دو کس نزدیک من پیدا شدند و یکی نزد سر من نشست و دیگری
نزد پاهای من پس یکی بدیگری گفت تمام بدنش را دست بمال و احساس مرض

بکن پس چون دستش بموضعی از سر من رسید گفت در اینجا حجامت کن و بتراش
و کوبیده کن با چیزی بر آن بمال که بچسبد پس بمن گفت او را هر دو که ضم کن با آن
انجیر و زیتون را چون بیدار شدم همان موضع را حجامت کردم و صحت یافتم
و جماعت بسیاری را تعلیم کردم و بعمل آوردند و شفا یافتند وشیخ طبرسی طاب ثراه
نیز در مکارم الاخلاق روایت کرده است که هر که را امری یا عارض شود
که موجب هم او گردد و خواهد چاره خود را در آن کار بداند باید که در
وقت خواب سوره والشمس و سوره واللیل هر یک را هفت مرتبه بخواند
تا آنکه در خواب مردی را ببیند که چاره او را تعلیم او نماید وشیخ مفید قدس
الله روحه در کتاب اختصاص از حضرت امام موسی علیه السلام بسند معتبر
روایت کرده است که هر که را بسوی خدا حاجتی باشد و خواهد که ما را در خواب
ببیند و جای خود را در آخرت بداند در سه شب با غسل بخوابد و با خدا
مناجات کند و با ما متوسل شود و ما را در درگاه خدا شفیع گرداند تا آنکه
ما را در خواب ببیند و بحاجت خود برسد وشیخ محمد بن هرون تلعکبری
رحمه الله در کتاب مجموع الدعوات روایت کرده است که هر که خواهد
حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله را در خواب ببیند در شب جمعه بعد از نماز
مغرب مشغول نوافل گردد و با کسی سخن نگوید تا نماز خفتن را بجا آورد
و بعد از آن دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از سوره حمد سه مرتبه سوره

قل

قل هو الله احد بخواند پس دو رکعت دیگر [نماز صبح] بکند و در هر رکعت بعد از حمد هفت
مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و بعد از سلام نماز بسجده رود و صلوات
بر محمد و آل محمد هفت مرتبه بفرستد و هفت مرتبه بگوید سُبْحَانَ اللّٰهِ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ
پس سر از سجده بردارد و درست بنشیند و دستها را بلند کند و بگوید یَا حَيُّ
یَا قَيُّومُ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ یَا اِلٰهَ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ یَا رَحْمٰنَ
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا یَا رَبِّ یَا رَبِّ پس برخیزد و دستها را
بلند کند و بگوید یَا رَبِّ یَا رَبِّ یَا رَبِّ یَا عَظِيمَ الْجَلَالِ یَا عَظِيمَ الْجَلَالِ
یَا عَظِيمَ الْجَلَالِ یَا بَدِيعَ الْكَمَالِ یَا كَرِيمَ الْفِعَالِ یَا كَثِيرَ النَّوَالِ
یَا دَائِمَ الْاِفْضَالِ یَا كَبِيرُ یَا مُتَعَالِ یَا اَوَّلُ بِلَا مِثَالٍ یَا قَيُّومُ
بِغَيْرِ زَوَالٍ یَا وَاحِدُ بِلَا انْتِقَالٍ یَا شَدِيدَ الْمِحَالِ یَا رَازِقَ
الْخَلَائِقِ عَلٰى كُلِّ حَالٍ اَرِنِي وَجْهَ حَبِيبِي وَحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي مَنَامِي یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ پس رو بقبله بخوابد
بر دست راست و مشغول صلوات بر محمد و آل محمد باشد تا بخواب
رود که انشاء الله آنحضرت را در خواب می‌بیند **مؤلف گوید** که در کتاب
بحار الانوار روایت اول را بطریق دیگر مبسوط‌تر از آنچه مذکور شد روایت کرده‌ام

جمله و در این رساله بمناسبت مذکور شد دویم از اخبار سابقه معلوم شد که
عمده در استخاره آنست که آدمی در امور دنیا و آخرت اعتماد بر عقل ناقص
خود نکند و باید که در جمیع امور توکل بر جناب مقدس الهی کند و معترف باشد
که من بنده عاجز جاهل ضعیفم و خداوند کریم رحیم عالم قادر مهربانی دارم که
اعرف است بصلاح من از من و از جمیع مخلوقات و امور خود را با او گذاشته ام
و خیر خود را از او میطلبم پس توسل نماید بلطف و رحمت خداوند کریم با غسل
و نماز و دعاها که در ابواب سابقه گذشت پس شروع کند در آن کار و آنچه او
دهد بآن راضی باشد و خیر خود را در آن بداند هر چند موافق خواهش او نباشد
و بعد از آن استخاره با دل خود است چنانچه گذشت و بعد از آن مشورت کردن
با مؤمنانست و بعد از آن استخاره برقاع و بنادق [illegible] است یا تفأل بقرآن
مجید یا بتسبیح و ظاهر اینها همه خوبست اگر چه بعضی از علما صور اخیره را منع کرده اند
چنانچه سابقا مذکور شد اما ظاهر آنست که غیر استخاره مطلقه که در باب اول ذکر
کردیم در جائی صورت دارد که ترددی در آن باشد نه در هر امری که خیریت آن
ظاهر بر آدمی معلوم باشد و ترددی در آن نداشته باشد و نه در امور مستحبه راجحه
که خوبی آن شرعا معلوم باشد مگر آنکه ترددی در انواع آن داشته باشد و در امور
واجبه مطلقا استخاره کردن صورت ندارد بلکه مشروع نیست و همچنین در امر حرام
استخاره جائز نیست اما استخاره مطلقه در همه امور خوبست مگر در امر حرام که

در آن

در آنجا مطلق استخاره مشروع نیست چنانچه شیخ مفید علیه الرحمة والرضوان در جواب
مسائل عکبریه فرموده است که هرگاه بنده مؤمن را دو امر در خاطر خطور کند
از مصالح دنیای او که در آنها متردد باشد مانند سفر کردن و اقامت نمودن
یا نکاح کردن یا برده خریدن و امثال اینها سنت است که بدون استخاره متوجه
آن اعمال نشود و بعد از استخاره اگر یکی از آنها نزد او راجح گردد بآن عمل کند
و اگر هیچ یک راجح نشود توکل کند بر خدا و یکی از آنها را بعمل آورد که ان شاء الله
خیر او در آنست و سزاوار نیست استخاره در امری که حق تعالی نهی از آن کرده است
و از برای کردن فعل واجب استخاره نمی باشد و استخاره در امور مباح می باشد
یا در میان دو امر سنت که هر دو را با هم بعمل نتواند آورد مانند جهاد سنت و حج
سنت یا آنکه مردد باشد میان زیارت دو امام معصوم علیهم السلام یا میان صله
دو برادر مؤمن که هر دو را نتواند بعمل آورد و از این باب امور بسیار بعضی از علما
دغدغه کرده اند در استخاره کردن از برای دیگری زیرا که در روایاتی که
سابقا مذکور شد در هیچ یک وکالت در استخاره مذکور نبود و سید ابن
طاوس رضی الله عنه تجویز نموده و فرموده است که داخلست در عمومات
قضای حوایج مؤمنان و ایضا ممکنست که استخاره کننده این حاجت
خود قرار دهد و قصد کند که با او بگویم بلکه خوبست یا نه و اگر چه عمومات
وکالت دور نیست که شامل استخاره باشد اما احوط آنست که صاحب

حاجت خود متوجه استخاره شود زیرا که هر که اضطرار او بیشتر است توسل
او بجناب مقدس الهی بیشتر می باشد و اگر بفعل غیر در این باب خاتم مقام
بفعل او میشود می بایست با این احادیث بسیار که در این باب وارد شده
است در یک حدیث استخاری باین نحو نمایید و ایضا با آن توجه و التفات
و مرحمتی که ائمه ما صلوات الله علیهم نسبت بموالی و شیعیان خود داشتند
یکمرتبه برای یکی از ایشان استخاره بنمایند و با آن گستاخیها و بی ادبیها
که فدویان و موالیان ایشان نسبت بجناب ایشان میکردند در یک حدیث
مذکور شود که یکی از ایشان این استدعا از خدمت ایشان کرده باشند
و یکجهت نوشتن تحریر این رساله وافیه را اینست که برادران ایمانی
بر اخبار و آثار ائمه طاهرین و پیشوایان دین صلوات الله علیهم
اجمعین که در این باب وارد شده مطلع شوند و کیفیات انواع استخاره
را بدانند که بهر نحو که خواهند در حوایج خود باستخاره متوسل شوند
و در همه امور اعتماد بر پروردگار خود نمایند و بدانند که خداوند رحیم در فیض
خود را بر روی بندگان گنهکار نبسته و همه را در جمیع امور بدرگاه خود خوانده
و گناه عاصیان را مانع لطف و احسان خود نگردانیده ملتمس از عمل کنندگان
باین رساله آنکه این مجرم عاصی را در حال حیات و بعد از وفات بدعای

خیر یاد نمایند و بر سهو و خطا که لازم غیر معصومین علیهم السلام است مؤاخذه ننمایند
و با توزع بال و تشتت احوال و وفور اشغال در چند شب از لیالی
ماه مبارک رمضان سنه هزار و صد و چهار هجری نوشته شد
والحمد لله اولا و آخرا والصلوة علی سید المرسلین محمد و عترته المعصومین
ولعنة الله علی اعدائهم اجمعین

بلغ نظرا و [illegible] العبد [illegible]

بلغ

صعی

حه

بعرض میرسانم که اگر کتاب را فرستادم لکن
متوقعم که با اینکه خودتان کتاب را به بنده رد نگاشته
با تعجیل این کتاب از برات بنده الساعة تبریز محمد